

گروگانها آزاد میشوند، ولی امریکا ایران را می خواهد

مسئله گروگانهای آمریکائی، سرانجام بر مبنای مصوبات مجلس شورای جمهوری اسلامی ایران و کوشش دولت و همکاری دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر حل شد. «گروگانها» آزاد میشوند. ولی خطرناک و هلاکت بار خواهد بود حتی اگر یک لحظه چنین پندار تخدیر - کننده ای پیش آید که، به دنبال تحویل «گروگانها»، آمریکا دیگر چشم طمع از ایران برخواهد گرفت. گروگانها آزاد میشوند، ولی آمریکا، بعنوان دشمن اصلی انقلاب و جمهوری

اسلامی ایران باقی است. بهمانگونه که قبل از «گروگانگیری»، شکستن انقلاب ایران و براندازی جمهوری اسلامی ایران، هدف آمریکا بود کسار «جاسوسخانه» هم جز تدارک اجرای توطئه های واشنگتن برای دسترسی باین هدف نبود، بعد از تحویل «گروگانها» نیز هدف آمریکا شکستن انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است، بگفته امام خمینی، «تا ۵۰ سال دیگر» هم آمریکا همواره درصدد خواهد بود که باین

هدف دست یابد. رفتن کلارک و آمدن ریگان نیز چیزی جز جابجائی دوسره برای اجرای یک اراده - اراده سرمایه انحصارگر و به ویژه مجتمع صنعتی - نظامی آمریکا، نیست و اگر تفاوتی بین آنها باشد، تفاوت بین ببر تیر خورده و ببر آدم خوار است، که هر دو برای «طمع» بیگسان خطرناک و بیگسان پر خاشخو و تجاوزگرند. ما با آمریکا در حال جنگیم و برای مدتی بقیه در صفحه ۴

بهاد نبوی: آمریکا نمیتواند وجود دولت جمهوری اسلامی ما را تحمل کند

مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور و سخنگوی دولت عسر دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی به سئوالات آنان درباره «گروگانها» و آزادی آنها پاسخ گفت. وی در این مصاحبه اعلام داشت که مصوبات مجلس شورای اسلامی در مورد «گروگانها» مورد پذیرش دولت آمریکا قرار گرفته و در این مصاحبه اعلام

گسترش توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب، نشانه نزدیک شدن اجرای توطئه هفتم امریکاست

* هموطنان انقلابی! هشیار باشیم. توطئه های ضد انقلاب را نزد توده ها فاش کنیم. با هشیار فعالیت های ضد انقلابی را خنثی کنیم. مانع درگیری و تشنج شویم و خود را متحد و یکپارچه، زیر رهبری امام خمینی، برای عقیم گذاردن توطئه هفتم آمریکا آماده کنیم.

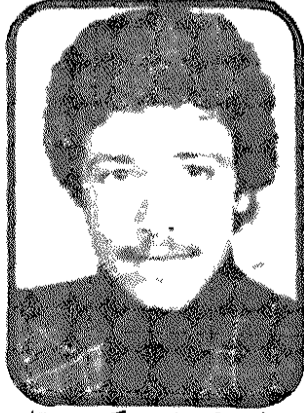
همزمان با لشکرکشی بیسابقه امپریالیسم آمریکا به خلیج فارس، درست در زمانی که تجدیدات امپریالیستهای آمریکائی به اوج رسیده است، در همان حال که رسانه های گروهی امپریالیستی افکار عمومی جهان را برای حمله به ایران آماده می کنند، ضد انقلاب تمام قوش و توان خود را بیکار گرفته و با تمام نیرو درصدد زمینه چینی برای اجرای توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران است. اخباری که از سراسر کشور مرسد حاکی از این است که ضد انقلاب زیر نقاب «جبه» و «راست» دست به توطئه های رنگارنگ زده است، تا تشنجه را در حد ممکن در کشور بالا ببرد

و با برجسته کردن اختلافات فرعی، نظر مردم را از توطئه اصلی منحرف کند. ضد انقلاب بیشرمانه دست به دزدی و جنایت می زند و توسط ایادی خود عامل آنها را جمهوری اسلامی ایران معرفی میکند، تا باین طریق مردم را نسبت به انقلاب بدبین و آنها را از رهبری جدا کند. مانوئیستهای آمریکائی، که نقش عمده ای را در اجرای توطئه

نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

قامت رفیق قهرمان توده ای حمید رضا دورانیش، ذره ذره خاکستر شد

* رفیق قهرمان در قلب نیروهای دلاور ایران قراردادش، که بیباکانه به دشمن حمله کردند. تجاوزگران صدامی آنقدر گلوله بر سرش باریدند که پیکر رفیق حمید آتش گرفت و خاکستر شد.
* وصیت نامه رفیق: اگر به درجه شهادت نائل شدم، از چرخه که دو ماه پیش خریدم باید برای رسیدن به کارهای حزبی استفاده شود.



«من به دستور حزبم، جبهه می روم. من بظاظر حفظ و حراست از حیثیت و شرافت مملکت و مردم غیور و قهرمان ایران و تمام زحمتکشان جهان، که در زیر سلطه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم جهانخواه آمریکا، چون کوه استوار مبارزه می کنند، داوطلبانه به جبهه میروم.»
(از وصیت نامه رفیق شهید توده ای، حمیدرضا دورانیش)

گلوله های دشمن سیر کرد، تا باز دیوارهای آن راه را برود زخمیانی که خنک مین انقلابی ما را می - آلابند، ببندد.
رفیق توده ای دیگری، حمید رضا دورانیش، در جبهه های نبرد رویارو با امپریالیسم آمریکا، در قلب رزمندگان ایران، که بیباکانه به دشمن متجاوز یورش برده بودند، جان خویش را نثار انقلاب کرد. انبوه گلوله ها، پیکر پهلوانی اش را چنان درهم کوبید که به خاکستر تبدیل شد و تنها این همزمانش بودند که بقیه در صفحه ۴

سرمایه داران بزرگ قیمت ها را به مرز انفجار رسانده اند!

قیمت ها به مرز انفجار رسیده است. گرانی بیداد میکند. بهای ارزاق عمومی، در مقایسه با سال گذشته، بیش از ۲۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. تنها در چند ماهی که از آغاز جنگ تحمیلی می گذرد، قیمت کالاهای مورد نیاز زحمتکشان تا ۵۰ درصد افزایش یافته.
برنج صدری درجه یک، که در سال گذشته، کیلویی ۱۲ تومان قیمت داشت، هم اکنون به کیلویی ۲۳۵ تومان رسیده است، یعنی ۹۶ درصد گرانتر از سال گذشته. همین برنج در تابستان امسال کیلویی ۱۶ تومان فروش می رسد. با این حساب در عرض

ششماه ۴۷ درصد گران شده است. «سبزی آش» ۲۳ درصد گرانتر از سال گذشته و ۲۵ درصد گرانتر از تابستان شده است. «پنیر تبریز» ۶۶ درصد گرانتر از یکسال گذشته و ۲۰ درصد گرانتر از ششماه اخیر است. نمک کیسه ای ۵۰ درصد گرانتر از پارسال و ۲۰ درصد گرانتر از دوماه اخیر! گردش کوتاهی در بازار خرید نشان می دهد که سرمایه داران بزرگ چگونه از وضع جنگ استفاده کرده اند و قیمت ارزاق عمومی را، که بغیر از مواد چیره بندی شده، واردات و توزیع آن را در دست در اختیار دارند، هر روز بالا برده اند. برای نمونه قیمت گوشت کوسفند تازه، که در سال گذشته کیلویی ۲۰ تومان بود، امسال به کیلویی ۴۰ تومان رسیده، یعنی ۱۰۰ درصد گرانتر از سال قبل شده است. در حالی که همین گوشت کوسفند، که ۴۰ تومان قیمت دارد، ششماه

استقلال

(بحثی با آقای بنی صدر) صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

رویدادگر رسدین
سازمان حزب در قم
۱۰۰۰۰۰ ریال
۳۵۰۰۰۰ ریال

علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کمینش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهید دکتر حسین فلسفی ببردارند.

قامت رفیق قهرمان..

بقیه از صفحه ۱

خبردارند رفیق حمید رادیده‌اند که یاخته‌یاخت قامت مردانه‌اش در راه دفاع از انقلاب توده‌ها می‌سوزد و خاکستر میشود.

رفیق حمید رضادوراوندیش در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌رحمتکسی در بجنورد پدیا آمد. بعد از انقلاب یرشکوه ایران، او که در راه دست‌یابی به سنگر نبود طبقاتی برای زمین علیه امپریالیسم بود، به حزب توده ایران پیوست. رفیق حمید ابتدا در بجنورد و سپس در مشهد، با ایمانی راسخ و شوری انقلابی فعالیت می‌کرد.

رفیق حمید در آغاز تهاجم نظامی آمریکایی صدام، خدمت، طبعه‌را بعنوان سرباز در مشهد می- گذراند. یمنیال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق حمید داوطلبانه به جبهه غرب رفت. رفیق حمید چند روز بعد، در جبهه، بر اثر ترکش خمیر، بشدت مجروح و به بیمارستان کرمانشاه منتقل شد. وقتی رفیق حمید توانست راه‌یافتد، پزشکان به او گفتند: «شما باید یکماه استراحت کنید.»

رفیق حمید لخنزدی زدوگفت: «مشکرم. همینکه می‌توانم راه بروم. همینکه می‌توانم ماشه را بکشم، کافی است. وقتی بهترین فرزندان مردم در جبهه تکه‌تکه میشوند، حق استراحت ندارند.»

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل گردید، طرح مربوط به نحوه بررسی و تصویب آئین‌نامه داخلی مجلس مورد تصویب قرار گرفت.

در ابتدای این جلسه، محمدحسین صادقی، نماینده دزد و ارابه، نخستین ناطق پیش از دستور، به تشریح فداکاریها و جانبازیهای رزمندگان انقلاب ایران و ادب و ارزش شهدا پرداخت. وی آنگاه در ارتباط با کسانی که دولت را تضعیف می‌کنند، گفت:

«چه دور از انصاف است دولتی را که چندماه از عمرش نگذشته است تضعیف کنیم و رای دهندگان به او را افراطی توصیف کنیم. وی متذکر شد که تصویف این دولت انقلابی و منبذ از مجلس اهامل ساختن خون شهدا و فداکارهای مردم در طی انقلاب است.»

نماینده دزد و ازنا از زحمت فداکاریهای مردم و نهادهای انقلابی حوزه انتخابه‌اش در جبهه و پشت جبهه قدردانی کرد و از مسئولین خواست که به خواستهای مردم آنجا، از جمله تامین آب آشامیدنی سالم توجه بیشتری مبذول شود.

وی سپس به رئیس‌جمهور آمریکا حمله کرد و در مقابل رهبری سائب امام خمینی را ستود.

ناطق در پایان پرسید: «راستی اگر آن موقع کمیته‌ها و نهادارن و دیگر نهادهای انقلابی نبود، با اینهمه ضد انقلابی وضع کشور چگونه می‌شد؟»

دومین سخنران حسن آیت بود. وی گفت: «نمی‌دانم از میان صدها موضوع و مشکل درباره کدامیک صحبت کنیم. آیا از واقعه طیس و حمله آمریکا با ایران بگویم یا از ازین بردن ه‌هلی‌کوپتر صحیح و سالم که در طیس بزمن نشسته بود و حاوی اسناد مهمی بود، بدون هیچ دلیل قانع‌کننده، و یا از اسناد

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: ضدانقلابیون در تدارک توطنه وسیعی برای واژگون کردن جمهوری اسلامی ایران هستند

باروی کارآمدن ریگان، آمریکا مجددا می‌خواهد چهره‌گریه و بی‌نقاب خودرا نشان‌دهد

جاسوسیخانه آمریکا که اخیرا تلاش وسیعی برای بی‌انتخابات‌ساختن آنها شروع شده است و یکی از روزنامه‌های صبح‌دم‌مقاله‌ای خواسته بود یا یک‌تیر دو نشان بزند، هم اسناد خانه سدان که در سال ۱۳۳۰ بدست آمد و چهره‌های کریهه‌های چون شاپور بختیار غشو حزب‌ایران و موسس جبهه ملی دوم و چهارم و متین‌دفتری نخست‌وزیر رضاخان و ستانور مدافع باصلاح حقوق‌پدر شاه سابق را رسوا می‌کرد، خواسته بود بر اعتبار کند و هم اسناد جاسوسیخانه را که وراث آنان را رسوا می‌ساخت، خواسته بود مخدوش جلوه‌گر کند.

آیت ضمن اشاره به دسائس و توطنه‌هاشی که امپریالیستها علیه انقلاب اسلامی ایران می‌چینند، گفت:

«عصر حاضر عسیر برنامه‌ریزی است. یکی از برنامه‌ریزهای مهمی که استعمارگران انجام می‌دهند، برنامه‌ریزی‌هایی است که منظور تسلط بر سایر ملل انجام می‌دهند. این برنامه‌ریزها انواع مختلف دارد. دسائس سیاسی، دسائس تبلیغاتی، تخریبی و اقتصادی، ساختن خطوط مهربه‌های بدلی در مقابل خطوط اصلی ازانواع این دسائس است. بدلی به‌دو معنی: یکی به

بیرون آید، از سوراخهای خود بیرون آمده‌اند و صریحا دم از مقابله و مقاومت با دولت می‌زنند. آن بازاری معلوم‌الحال که سوابق‌سندینی و ضدروحانیتش به زمان ملی‌شدن صنعت نفت می‌رسد، صریحا دم از مخالفت با دولت می‌زند. آن‌دیگری جزوهای چاپ می‌کند و اسلام را طوری معرفی می‌کند که اگر بخوایم طبق آن عمل کنیم، ارتشبد نصیری، آزمون و شکنجه‌گران معدوم ساواک را بپای اتمام باید وزارت و مدیریت کلی و اسناداری بدیم.»

وی آنگاه گفت:

«اکنون اینها مشغول تدارک توطنه‌وسیعی برای واژگون کردن جمهوری اسلامی ایران هستند.»

آیت آنگاه به فریب‌خوردگان این توطنه‌ها توصیه کرد که دسیسه‌گران را معرفی کنند و به‌شط عظیم انقلاب بیوبندند.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و چگونگی بررسی و تصویب آئین‌نامه داخلی مجلس به بحث گذاشته شد. پس از سخنان مواتق و مخالف، پیشنهاد حجت‌الاسلام محمد مجتهد ششمتری، منبری آنکه آئین‌نامه داخلی بصورت طرح یک‌توریتی با ماده واحده و یک شور در مجلس مطرح شود، به تصویب رسید.

سپس دولایحه دولت درباره «الحاق تبصره و اصلاح ماده ۳۹ لایحه قانونی برنامه و بودجه» نیز تصدیدی مدت یکی از مواد قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، که در کمیسیونهای مربوطه رد شده بود، مطرح و رد گردید. همچنین پیشنهاد عده‌ای از نمایندگان مربوط به الحاق یک‌توریت به لایحه مربوط به اعتبارات لازم برای آوارگان جنگی، مطرح شد، که مورد تصویب قرار نگرفت.

جلسه بعدی مجلس ساعت ۸ صبح‌امروز تشکیل می‌شود.

بازگشت از پنجره‌های آمریکا امیدوار است لیبرالها بتوانند بکشایند، خطی است برای آمریکا بی‌مخاطره، ولی، پناهب تجربه، سماع الوسول. بدنیال «گروگان‌گیری» و سقوط دولت موثق، ضربه‌گرفته‌ای به این «خط» وارد آمد. ولی امید آمریکا بدان قطع نشده، بویریه‌باین دلیل که «خط» تجاوزگری ماجراجویانه، چنانکه گفتیم، خالی از خطر نیست. مبارزه با آمریکا نیست.

اکنون بر وضوح معلوم است که آمریکا برای شکستن انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران، از روی هر دو مذهب به‌موافقت یکدیگر، حرکت می‌کند. از یک‌سور در تدارک یک تهاجم گسترده نظامی علیه ایران است و از سوی دیگر با تمام نیرو تلاش دارد که یک دولت «میانرود» (از لیبرالها) بروی کار آورد. برای مقابله با آن خطر تهاجم نظامی باید آماده شد و برای خنثی کردن این خطر «خنزنده» باید تدابیر متقن اتخاذ و اجرا کرد.

آمادگی برای مقابله با خطر تهاجم گسترده نظامی آمریکایی (امم از اینکه با شرکت مستقیم نیروهای مسلح آمریکایی باشد یا نباشد) باید همه‌جانبه و بدون فوت وقت صورت گیرد: سازماندهی نیروهای مسلح، تجزیه‌خلاق، تدارک اسلحه و مهمات لازم، تهیه نقشه‌های متنوع عملیاتی برای مقابله سریع با هر شکل احتمالی تهاجم دشمن، ذخیره‌سازیهای لازم و... خنثی کردن خطر بازگشت «خنزنده» آمریکا، که بوسيله شکستن «دول» بورژوازی-لیبرال ایران، امکانپذیر است. و برای شکستن این «دول» باید موضوع اقتصادی و سیاسی لیبرالها را تصرف کرد. تصرف موضوع اقتصادی لیبرالها، یعنی از بین بردن هرگونه وابستگی به کشورهای امپریالیستی، ملی‌کردن بازرگانی خارجی و عده‌فروشی داخلی، اجرای اصلاحات ارضی از جمله بند (ج) و بسخن دیگر، از بین بردن بقایای سرمایه‌داری وابسته و بزرگ-مالکنی، رونق دادن به تولید داخلی، مهار و رفع بیکاری، مهار و رفع گران، بهبود وضع مادی و معنوی زحمتکشان... و تصرف مواضع سیاسی لیبرالها، یعنی پاکسازی تمام دستگاه دولتی و بویریه مقامهای تصمیم‌گیری از عناصر لیبرال.

در یک کلام، باید همواره توجه داشت که ما برای مدت درازی اولاد در معرض خطر تهاجم احتمالی نظامی گسترده امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی آمریکا هستیم و لذا باید برای مقابله و خنثی کردن این خطر همه‌جانبه آماده باشیم و ثابا هنوز خطر بورژوازی‌لیبرال ایران بعنوان «دول» بازگشت «خنزنده» آمریکا مرتفع نشده است و باید آنرا مرتفع ساخت. انجام این وظایف البته دشوار و یغرنج است، ولی اگر به نیروی فتاب‌پذیر انقلاب‌بیکه کنیم، اگر از دوستان انقلاب ایران کمک بگیریم، اگر جبهه متحد خلق را، سرفنظ از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی نیروهای انقلاب، زیر رهبری امام خمینی تحقق بخشیم، پیروزی قطعی و نهایی انقلاب حتمی است و امپریالیسم و ارتجاع جهانی، (بسرکردگی آمریکا) هیچ غلشی نمی‌تواند یکسد.

گروگانها آزاد میشوند...

بقیه از صفحه ۱

نا محدود در حال جنگ خواهیم بود. شکل این جنگ می‌تواند تغییر کند، ولی این جنگ به شکلی از اشکال ادامه خواهد داشت، تا زمانی که آمریکا دیگر، برائت تثبیت و «تکلیف» همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران، از «بازیس-گرفتن ایران» بکلی مایوس شود.

ایران از نظر امپریالیسم آمریکا «منطقه حیاتی» است، و اگر درست است که امپریالیسم جهانیوار است و بدون جهان‌خوارگی نمی‌تواند به «حیات خوره» ادامه دهد و نیز، اگر درست است که انقلاب ایران، «منطقه»‌ای را از جنگ آمریکا بردآورده، که هم منبع ثروت‌بیکران برای غارت و هم پایگاه فوق‌العاده مهم نظامی برای تهدید و تجاوز در منطقه بوده است، پس حتی یک لحظه هم نباید این پندارت‌خدریر-کننده خطرناک را بخورد راه داد که آمریکا بخواند یا بتواند از تلاش و توطنه برای بازیس-گرفتن این «منطقه حیاتی» باز ایستد.

ما هم‌اکنون با آمریکا در حال جنگ واقعی هستیم. تجاوز مسلحانه رژیم جنایتکار صدام، تجاوز مسلح آمریکا است و درعین حال ریگان، رئیس جمهور جدید آمریکا، چنانکه خود گفته، در انتظار بیرونی کارآمدن «میانرودها» (لیبرالها) در ایران است، یعنی آمریکا همچنان از دو راه، به دو وسیله، از روی دو «خط»، درصدد شکستن انقلاب ایران است: یکی «خط» اعمال قهر و زور عریان تا «دوره» را بشکند و از «دوره» وارد شود و دیگری «خط» بازگشت خزننده تا از «پنجره» باز گردد.

«خط» اول، یعنی خط کودتا، تجربه خاذ ایران، ایجاد «ایران آزاد» نوکر بی اختیار، به درازا کشاندن جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه ایران، افروختن جنگ داخلی، توسعه دامنه تجاوزات مسلح غیرمستقیم بوسیله کشاندن دولتهای دست‌نشانده منطقه خلیج فارس در جبهه جنگ رژیم صدام علیه ایران، مداخله احمیانا مستقیم نظامی، مین‌گذاری باندر ایران، بمباران شهرهای ایران، اشغال جزایر ایران درخلج فارس، بیاده‌کردن نیروهای «واکشن سریع» بکرانه‌های جنوبی کشور... و در یک کلام، «خط» ماجراجویی نظامی تجاوزکارانه عریان است که برای «بازهای» آمریکایی خیلی وسوسه‌انگیز است، ولی درعین حال رها کردن «کلام» این وسوسه چندان آسان نیست، اولاً باید دلیل که منطقه، منطقه نفت است و آتش‌زا، که اگر شعله‌ور شود، اساسا هستی امپریالیسم را به‌خطر خواهد افکند؛ و ثابا یابین دلیل که در شرایط کنونی تناسب قوا بمقیاس جهانی، لکام‌گسیختگی می‌تواند سوار را چنان از مرکب بزریر افکند که دیگر برنخیزد. با اینهمه، اگر متوجه‌باشیم که «خط» ماجراجویی، بطور کلی در سیاست امپریالیسم آمریکا، به صورت «خط» مسلط درمی‌آید، آنوقت حتی یک لحظه هم ما حق نداریم که احتمال خطر اعمال قهر و زور عریان را از سوی آمریکا، نادیده بگیریم. این خطی‌است موجود و جدی، که هر لحظه ممکن است حادث شود.

خط دوم، یعنی خط پارگشت خزننده،

خود را تار و تار این رفیق قهرمان می- کند و ضمن ابراز تسلیم به خانواده او، به رفقای سازمان ایالتی خراسان و به همه اعضای خودامیابا راه رفیق حمیدرضا دوراندیش و هم‌زمان شیدش را برای بره‌کن کردن امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، تا آخرین قطره خون ادامه خواهند داد.

رفیق حمیدرضا دوراندیش در آخرین روزهای که به جبهه می- رفت، وصیت‌نامه خودش را در اختیار سازمان ایالتی حزب توده ایران در مشهد گذاشت. وصیت‌نامه بشرح زیر است:

اما قامت به‌خون‌لبیده رفیق حمید پیدا شد. هم‌زمانش گفتند: «شش‌تان چندان گلوله» برسر حمید که بیابگاه یورش می‌برده، باریدن؛ که قامتش در خون و آنتی شعله‌ور شد و به خاکستر مبدل شد.

و چنین بود که رفیق دیگری از تبار حیدرها، اورانی‌ها، روزبه‌ها، وارطان‌ها و قیزایی‌ها، که رفیق حمید به آنها عشق‌شگفتی داشت، به قافله خوئین توده‌ای‌های بوست، مردم قهرمان بجنورد، روز ۱۶ دیماه ۵۹، مظهری از جنازه رفیق حمید رادرمیان فریادهای «مرگ بر آمریکا» تبعی کردند.

حزب توده ایران احترام عمیق

طراز نوین طبقه کارگر، حزب توده ایران گذاشته شود. مخصوصا چرخشی که تقریبا دو ماه پیش خریدماید برای مثل پراهن و شلوار و چندان که مقداری در اینجا هست و بقیه‌اش در خانه (بجنورد) هست گرفته شوند و تحویل حزب دهند. بله، هدف اگر مقدس باشد پیروز است و هدف من پیروزی حاضر توده ایران (است) که با تمام وجودم اعتماد دارم و حاضر شده‌ام پرایش به کاری که مثبت باشد، دست بزنم و شناختی که از این حزب دارم این است (که) واقعا حزبی است مردمی و طرفدار زحمتکشان.

درد و پر حزب توده ایران مرگ بر امپریالیسم بسرکردگی آمریکا مرگ بر صدام و دیگر توحه‌های آمریکایی خائن پرتواریای جهان متحد شوید.

حمید دوراندیش ۲۵۹۷۷۹

و رفیق حمید دوباره به جبهه پیوست.

در روز تهاجم رزمندگان ایران علیه دشمن متجاوز، رفیق حمید رضا دوراندیش، هم‌راہ واحد خود در قلب جبهه دلآوران ایران قرار داشت. حمله آغاز شد و فرزندان قهرمان خلق ایران از پاسدار ارتسی، به دشمن یورش بردند و به‌بهای خون خویش تجاوزگران صدامی را از خاک مین انقلابی عقب راندند.

وقتی آن روز به پایان رسید، رفیق حمید دیگر در واحد نبود. او و دهها قهرمان دیگر جان خویش را تثار انقلاب کرده‌بودند. پیکر کلکون هم‌شهدا را آورنده

وصیت‌نامه رفیق شهید حمیدرضا دوراندیش: شناختی که از حزب توده ایران دارم این است که واقعا حزبی است مردمی و طرفدار زحمتکشان

«هیچ‌دستی بلندتر از دست حقیقت نیست.» رفیق هوشنگ تیزابی

من سرراوزوظفه حمیدرضا دوراندیش غلام غرب هستم. من بخاطر حفظ و حراست حیثیت و شرافت مملکت و مردم غیور و قهرمان ایران و تمام زحمتکشان جهان، که در زیر سلطه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم جهانی‌آمریکا که ناجواانمرده‌انه هر زمان ما را ازین می‌برد، ولی آنها همچون کوزه استوار مقاومت می‌کنند و ازین رفتنی نیستند، داوطلبانه آماده شده‌ام که به جبهه بروم. لذا بر اساس انتقادات و یا سستی که تمام مردم مبارز ایران دارند، بنده هم وصیت‌نامه می‌نویسم. بله، رفقا فکر می‌کنم من که جزئی ناچیز از ملت غیور و قهرمان ایران هستم و بنمستور حزم، که هر چند هنوز برای کاری انجام نداده‌ام، بلکه بصورتی یا به اون‌وسيله بتوانم آن وظیفه انسانی و وجدانی خودم را ادا کرده باشم، به پشت جبهه می‌روم. اگر به درجه شهادت نائل‌شدم تمام اموالی که در اختیار من هست کاملا باید در اختیار حزب

(این وصیت‌نامه را در روز ۱۶ دیماه ۱۳۵۹ در بجنورد نوشتند)

مرگ بر آمریکا
مرگ بر صدام
مرگ بر رژیم
مرگ بر حزب
مرگ بر امپریالیسم
مرگ بر سرکردگی آمریکا

رفیق حمیدرضا دوراندیش
مبارزه‌گر دیرینه
مبارزه‌گر بی‌ترس
مبارزه‌گر بی‌ترس
مبارزه‌گر بی‌ترس
مبارزه‌گر بی‌ترس

استقلال

(بختی با آقای بنی صدر)

وابستگی، عدم وابستگی به سلطه‌گر باشد، کافی نیست. حتی ممکن است دو کشور باهم رابطه نداشته باشند، اما زیرسلطه یکدیگر باشند، یعنی مستقل نباشند. شما دو کشوری را فرض کنید که هرچه میکنند در رابطه با قدرت یکدیگر باشد. اینها بهم وابسته‌اند و نمیتوانند خود را نسبت به دیگری مستقل سازند. اگر آمریکا و روسیه در توازن عمومی قوا خود را ناگزیر ببینند که متناسب با قدرت رقیب قوه ایجاد کنند، پس هرکدام از این دو، بختی مهمی از مازاد تولید داخلی را باید صرف ایجاد تعادل بکنند، که در این حالت این دو بهم وابسته‌اند...

در این استقلال، وابسته کردن، به معنای تحمیل اراده اسارتگرانه و غارتگرانه، و وابسته بودن، نه به معنای در معرض آن تحمیل قرارداشتن بکاررفته، بلکه وابستگی به معنای هرگونه رابطه و حتی به طور کلی مناسبات آمده است و، در نتیجه، مطابق این استقلال - چنانکه آقای بنی صدر معتقد است - هیچ کشوری نمیتواند وابسته نباشد. کشور غارتگر هم وابسته به کشور غارت شده است. اگر کشور غارت شده نگذارد غارت شود، پس تکلیف غارتگران چه میشود؟ اگر کشورهای غارتگر، نگذارند نفت آنها را غارت کنند، آنگاه اقتصاد غارتگران به سرنوشت سومی دچار می‌شود. اصولا وابستگی امری محتوم و غیرقابل اجتناب است. سوری که از آمریکا گندم بخرد، وابسته به آمریکا میشود. آمریکا هم که به سوری گندم می‌فروشد، وابسته به سوری میشود. حتی اگر رابطه هم با یکدیگر نداشته باشند، فاشده ندارد، باز به یکدیگر وابسته‌اند. چون اگر آمریکا بخواهد به سوری حمله کند، باید از مازاد تولید داخلی صرف تسلیحات کند. و سوری هم وابسته است، چون باید هزینه‌های نظامی برای رفع تجاوز منحل شود. عراق به ایران وابسته است، چون به ایران حمله کرده و مقداری از مازاد تولید داخلی خود را صرف جنگ تهاجمی میکند. ایران هم به عراق وابسته است، چون برای دفاع متحمل هزینه‌های نظامی است. هیچ کشوری در هیچ حالت و در هیچ زمان غیروابسته نیست و نمیتواند باشد، و چون عدم وابستگی بخشی از استقلال است و نه همه آن، پس هیچ کشوری در هیچ حالت و در هیچ زمان مستقل نیست و نمیتواند باشد. اصولا استقلال که سهل است عدم وابستگی هم (که بخشی از استقلال است)، رویائی است غیر قابل دسترسی، سراسری است فریبنده. وابستگی امری است محتوم، که گریز از آن ممکن نیست. (وقاعدتا باید نتیجه گرفت که، پس باید بدان‌تن در داد!)

آقای بنی صدر، بر مبنای استدلالی که بالاتر عینا نقل کردم، تعریف زیر را از استقلال استخراج میکند: "از دید من استقلال وضعیتی است که کشور وقتی در آن موقعیت قرار گرفت، انگیزه‌های خارجی، درکاربرد نیروهای محرکه اوموثر نباشد و آن کشور تمام امکانات خودش را بتواند در درون نظام اجتماعی خودش در جهت سازندگی و رشد به کار اندازد و هیچ بخشی از نیروهای خود را در تریب و در رابطه با خارج به نیروی تخریبی تبدیل نکند و یا از کشور خارج نسازد".

مطابق این تعریف سیر کسب استقلال محال است. چون هیچ کشوری، مادام که در این دسای خاکی است، نمیتواند با جهان خارج قطع رابطه کند، آنهم بقیه در صفحه ۶

"منطق" - حداقل - عجیب است و ما تاکنون مدار برخورد نکرده بودیم و از آن اطلاع نداشتیم. مطابق این "منطق"، حرب توده ایران - با به ادعای آقای بنی صدر - معتقد است که سوریوا استقلال می‌خواهد و کارگر آن را نمی‌خواهد و بدین وسیله (!) یعنی وسیله معر می بوررو بعنوان استقلال طلب و معر می کارگر بعنوان مخالف استقلال، حزب توده ایران "زمینه سازی برای سلطه ابر قدرت شرق" میکند!

برای اینکه بی‌سطق بودن این "منطق" را نشان دهیم، همین "منطق" را نسبت به خود آقای بنی صدر بکاربریم، ببینیم خود ایشان آنرا قبول دارند؟

آقای بنی صدر قبول دارند که "کارگر استقلال کامل را میخواهد" یعنی "خود بخود مفهوم مخالف" قبول دارند که "بوررو ایدا استقلال نمی‌خواهد" و، در نتیجه، مطابق "منطق" خودشان باید قبول کنند که "زمینه سازی برای سلطه ابر- قدرت غرب" کرده‌اند!

ثانیا آقای بنی صدر مدعی شده است که گویا حرب توده ایران کت است که "استقلال چیزی است که سوریواها آن را میخواهند".

کجا حزب توده ایران چنین مهملی را گفته است؟ آقای بنی صدر که خود را پای بند بحث علمی میداند، مآخذ این دعوی خود را ذکر نکرده است. آیا بحث علمی اجازه میدهد که بیان مهملی را به نسبت دهد و سس از آن مهمل، آنهم با "منطق" فوق، نتیجه بگیرند که ما "برای سلطه ابر قدرت شرق زمینه سازی" میکنیم؟

نظر آقای بنی صدر نسبت به استقلال و وابستگی

آقای بنی صدر مفهوم استقلال را به معنای عدم وابستگی قبول ندارد. "عدم وابستگی" - به نوشته ایشان - "استقلال نیست"، "عدم وابستگی بخشی از استقلال است نه همه آن". ضمنا ایشان معتقدند که این عدم وابستگی، که "بخشی از استقلال است"، وجود خارجی نمیتواند داشته باشد. همه کشورها، یا سلطه‌گرند یا زیر سلطه. آقای بنی صدر چنین استدلال میکند:

"عدم وابستگی بخشی از استقلال است نه همه آن و حال این که خود وابستگی هم مفهوم مطلق نیست. یعنی چنین نیست که زیر سلطه وابسته باشد و سلطه‌گر وابسته نباشد... چون سلطه‌ها هم وابسته‌اند. فکر کنید اگر نفت کشورها نفتخیز به کشورهای صنعتی نرود، آن کشورها چه وضعی خواهند داشت؟ اقتصادشان از پای در می‌آید و آن جامعه‌ها دچار بدترین سرنوشت میشوند. پس آنها هم مستقل نیستند. اما در حال سلطه مسلط است و زیر سلطه زیر سلطه! (علامت تعجب از خودم گرفتم!) مستکبر مستکبر است و مستضعف مستضعف... سلطه‌گرها وابسته‌اند، اما از موضع سلطه و زیر سلطه‌ها وابسته‌اند، اما از موضع زیر سلطه. پس صرف این که بگوئیم تنها مراد ما از عدم

بنابراین رابطه ما با دیگر خلقها و بادیگر کشورها نه فقط امری است محتوم، بلکه ضرور- ضرور برای این که ما بتوانیم نیازمندی‌های خود را در عرصه‌های مختلف برای رشد موزون کشور خود برآورده سازیم و در عوض نیازمندی‌های دیگران را در حدود امکانات خود مرتفع کنیم. ولی در برقراری این مناسبات، اولاً ما خود باید راسا و فارغ از هرگونه نفوذ و فشار غرض‌آلودی، تصمیم بگیریم، و ثانیا این مناسبات باید بر مبنای احترام بی‌خودنه متقابل به حق حاکمیت ملی، بر مبنای برابری کامل حقوق و نفع متقابل عادلانه برقرار شود. چنین است مفهوم استقلال". (نامه "مردم"، شماره ۴۵۶)

پیش درآمد برای رد نظر ما

آقای بنی صدر با این چنین مفهومی از استقلال مخالف است و تعریف خود را از استقلال و وابستگی در رد نظر ارائه می‌دهد. ولی قبلا، به عنوان پیش‌درآمد، مآخذانه نظریات مهملی را به حزب ما نسبت می‌دهد. چرا؟ معلوم نیست. شاید از روی "روایسناسی"، برای آماده کردن خواننده به مخالفت با نظر ما قبول نظر ایشان نسبت به مفاهیم استقلال و وابستگی؟! به هر حال، بد نیست به این پیش درآمد اشاره کنیم، گرچه به اصل مطلب ارباط ندارد.

آقای بنی صدر می‌نویسد: "وقتی می‌گویند (در تیترو درستی که وسط صفحه چاپ شده، نوشته شده: وقتی حزب توده می‌گوید) که استقلال "چیزی" است که بورژواها این را میخواهند، خود بخود مفهوم مخالف آن این است که کارگر آنرا نمی‌خواهد! در حالیکه این زمینه سازی برای سلطه "ابر قدرت شرق" است، و حال آنکه کارگر استقلال کاملی را میخواهد".

در این جا ما، با مطلب بسیار جالبی روبرو میشویم: اولاً این "منطق" که، چون (به فرض غلط) بورژوا استقلال می‌خواهد، پس کارگر آنرا نمی‌خواهد. مطابق این "منطق"، چون بورژوا می‌خواهد لباس بپوشد، پس کارگر نمی‌خواهد لباس بپوشد، چون بورژوا می‌خواهد لگو بخورد، پس کارگر نمی‌خواهد لگو بخورد. این



امام خمینی: "حالا ما وابسته به غیر نیستیم. البته یک احتیاجاتی دنیا به هم دارد این وابستگی نیست. مثلا ما احتیاج داریم که گندم بخریم. پسول می‌دهیم و گندم می‌خریم... اینها آسمان وابستگی نیست... مبادلات تجارته است، وابستگی نیست. وابستگی این بود که مادر زمان شاه داشتیم که همه چیزمان را باید آنها بیایند اداره کنند. مستشار بیاید و لشکرما را این طور بکنند که کردند و این طور خرابکاری (کنند). این مبادلات و باب خرید و فروش که بطور متقابل... خرید و فروش میکنند، این اسمش وابستگی نیست. الان ایران وابسته به هیچ جا نیست. این بهترین چیزی است که جمهوری اسلامی آورده..."

تعریف ما از مفهوم استقلال

آقای بنی صدر تعریفی را که ما از استقلال کرده‌ایم، قبول ندارد. می‌نویسد:

"متنی را از چند روزنامه بافق- های ظاهرا متفاوت، ولی بانقطه نظر- ها و با نظرگاههای یکسان خواندم. این متن درباره مفهوم استقلال بود. من پیش از این درباره استقلال مقاله بسیار نوشته‌ام و در نظریه- سلطه، با تعریف مشخصی از استقلال، به پیش این نظریه پرداخته، نظریه- های موجود را انتقاد کرده‌ام... در تعریفی که یکی از این سه جریان از استقلال به دست داده بود، آمده است که استقلال یعنی عدم وابستگی و صاحبان این نظریه حزب توده..."

آقای بنی صدر آنگاه دو جریان را رها می‌کند و نامی از آنها (معلوم نیست چرا؟) نمی‌آورد و به رد نظر حزب توده ایران می‌پردازد و بدین وسیله "نظرگاههای یکسان" را رد میکند. بدینسان رد نظر حزب توده ایران مستقیما هدف قرار می‌گیرد و چون چنین است، ما لازم میدانیم که نظر خود را، بار دیگر، به صورت نقل مجدد تعریفی که در نامه "مردم" درباره مفهوم استقلال و عدم وابستگی آمده، به نظر خواننده برسانیم و سپس به بحث درباره نظرات آقای بنی صدر، که در رد نظر ما شرح داده است، بپردازیم.

نظر ما چنین ارائه شده است: "استقلال، یعنی عدم وابستگی. ولی استقلال یا عدم وابستگی به معنای انزوا طلبی نیست، به معنای قطع رابطه با دیگر کشورها، به معنای دیوار کشیدن به دور کشور نیست. چنین "استقلالی" نه ممکن است و نه مفید. ما وقتی بتوانیم احترام به تمامیت ارضی کشور و احترام به حق حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را تامین کنیم، وقتی قادر باشیم که در عرصه سیاست، چه سیاست خارجی و چه داخلی، راستامیم بگیریم، در عرصه اقتصاد مناسبات برابر حقوق با سود عادلانه متقابل با دیگر کشورها برقرار کنیم، وقتی ما در تمام شئون زندگی، اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، بازرگانی، فرهنگی و غیره، خودمان بر مبنای مصالح کشور و بر رشد و ترقی وطنمان، راسا تصمیم اتخاذ کنیم، استقلال کشورمان را تامین کرده‌ایم. این معنی و مفهوم واقعی استقلال است." ("نامه" مردم"، شماره ۳۹۱).

و نیز: "مفهوم استقلال، یعنی رهایی از اسارت، یعنی عدم وابستگی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، مالی، فرهنگی و تمام دیگر شئون زندگی، یعنی کسب امکان تصمیم- گیری، برنامه‌ریزی و اجرای آنها به سود ترقی همه جانبه مادی و معنوی خلق و کشور خودمان. بدیهی است که این استقلال و مبارزه برای تحقق آن به معنای دیوار کشیدن به دور کشور نیست، به معنای منزوی کردن کشور نیست، به معنای قطع رابطه با دیگر خلقها و بادیگر کشورها نیست. ما در این دنیا زندگی می‌کنیم و کشور ما در این دنیا قرار گرفته است و

این سخنان امام خمینی را ما از متن بیاناتی استخراج کرده‌ایم که امام خمینی خطاب به هیئت دولت ایراد داشتند و در شماره ۱۷ دی ماه ۵۹ روزنامه "انقلاب اسلامی" چاپ شده است. تصادفا در همان شماره، آقای بنی صدر (در کارنامه رئیس جمهور) نظریات خود را درباره استقلال و وابستگی شرح داده است، منتها در رد نظر "سه جریان" درباره استقلال و وابستگی، ولی مستقیما خطاب به حزب توده ایران.

نظر به این که عمده ترین هدف انقلاب بزرگ ایران، قطع وابستگی و کسب استقلال کشور و عمده ترین وظیفه‌ای که در برابر هر انقلابی راستین قرار گرفته، حفظ و تحکیم استقلال کشور است و با در نظر گرفتن اینکه آقای بنی صدر رد نظر حزب توده ایران و بیان نظرات خویش را - صرف نظر از نسیه‌هایی که ظاهرا گریزناپذیر است - مجموعا بالحن بحث علمی مطرح ساخته است و نیز با در نظر گرفتن اینکه آقای بنی صدر در مقام ریاست جمهوری قرار دارد و بنابراین نظریات ایشان احیانا می‌تواند در تدوین سیاست کشور موثر واقع شود، ما لازم دانستیم در این بحی که آقای بنی صدر با ما گشوده‌است، شرکت کنیم.

چکیده و نتیجه نظرات آقای بنی صدر

ما شرح نظرات آقای بنی صدر را درباره استقلال و وابستگی به دقت مطالعه کردیم. در آن برخی دعوی یافتیم که با واقعیت وفق نمی‌دهند. (که آن‌ها را مطرح خواهیم ساخت). در آن با تناقضات مشهودی نیز روبرو شدیم (که از آنها می‌گذریم). ولی قطع نظر از آن دعوی و این تناقضات، حکیده و نتیجه نظراتی که آقای بنی صدر ارائه داده است، در یک جمله خلاصه می‌شود و آن اینکه: در جهان هیچ کشور مستقل و غیر وابسته وجود ندارد! آقای بنی صدر می‌نویسد:

"با این تعریف (من) از استقلال طبیعی است که خواننده خواهد گفت: پس در این جهان هیچ کشور مستقلی وجود ندارد؟ و جواب این است که: چنین است، چون هیچ کشور مستقلی وجود ندارد... ما با این نظر مخالفیم، چون با حقیقت و با واقعیت وفق نمی‌دهد. باید آقای بنی صدر جمهوری اسلامی ایران را استثناء می‌داند؟ نه، استثناء میداند. وی هیچ کشوری را استثناء نمی‌داند، از جمله الجزایر و لیبی و سوریه، و از جمله جمهوری اسلامی ایران را! آقای بنی صدر می‌نویسد:

"خیر، اینها (الجزایر و لیبی و سوریه) بندهای وابستگی بسیار بر دست و پای خود دارند، چنان که ما خود نیز داریم". ما با این نظر هم مخالفیم، چون خلاف حقیقت و واقعیت است. به نظر ما، هر قدر به صورت "تئوری" کوشش به عمل آید که واقعیات دگرگون تجسم یابند، واقعیات سر جای خود باقی می‌مانند.

اخراج کارگران شرکت ابریشم گیلان، عملاً بسود ضد انقلاب است

بابکار گماردن مدیریت انقلابی، کارخانه «سایپا» را برآه اندازید

با برنامه ریزی که در شرکت ابریشم صورت گرفته است، می توان آنرا به مرکز تولیدی سوددهنده ای تبدیل کرد.
هر عملی که باعث کم کاری، متوقف شدن تولید و تعطیل شدن مراکز تولیدی شود، تنها می تواند منافع امپریالیسم را تامین کند.

ارسالها پس در توت رازه های استان گیلان، از اواسط اردیبهست تا اواسط سرماه، دهقانان به پرورش کرم ابریشم معول می شوند و در شهریور ماه هر ماه به برداشت محصول می بردارند.

پرورش کرم ابریشم و تولید ابریشم از صد سال پیش در ایران رونق گرفت. در ضمن از همان ابتدای استواری (سیرین) کرم یوکان را در معرض سهدید قرار داد و آسیب فراوانی به محصول دهقانان رساند. در همین زمان بود که وارد کردن کرم یوکان مصون ابریشماری از اروپا، راین و برکپه عثمانی آغاز شد. سیرین وارد کنندگان کرم یوکان سحر بازار بودند، که آن زمان می خریدند و با قیمتی گراف دهقانان می فروختند.

حدت جهانی اول باعث سقوط قیمت یوکان در بازار آشفته مبادلات کسور ماند. بعد از جنگ جهانی دوم و با صلح ارسال ۱۳۵۲، وضع با امانان لمارها (محل پرورش کرم ابریشم) و سوسه های کرم گیری غیر بهداشتی و غیر علمی در روسهای تولید سدی، موجب تلف شدن مقدار زیادی کرم و سلب می شد.

برای جلوگیری از این امر، شرکت ابریشم گیلان، در سال ۱۳۵۲، در برعه "پرند" بصورت یک واحد آزمایشی شروع بکار کرد. نوع فعالیت این شرکت، گشت توتستان با پرورش کرم و تولید پیله بود. زمینی که برای اینکار در نظر گرفته شد، حدود سه هزار هکتار بود و به سه منطقه ۱: احزرعه "برند" (حسکودهان) ۲: مرزعه "برنیان" (ظاهر گولاب) و ۳: کارخانه "ابا تر" تقسیم شد.

سال گذشته، ریاست شورای انقلاب در سخنان شماره ۸۳۹۰۰، مورخ ۲۷/۱۲/۵۸، برنامه ادغام اساسات و تسکینات شرکت ابریشم گیلان و تاسیس شرکتی بام سرکس سهامی مطالعات و گسترش پرورش کرم ابریشم را ابلاغ کرد.

چنین برنامه ریزی وسیعی مسلماً می توانست و می تواند بسود کشور و انقلاب باشد. امید ریادی وجود دارد، با شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم گیلان بصورت یک واحد بزرگ تولیدی سود دهنده معول بکار شود. اما

کارگران و کارمندان آن، احرار کرد. اینکار، عملاً بسود امپریالیسم آمریکا است، زیرا امپریالیسم آمریکا است که ما از نظر احتیاجات خود دچار کمبود سوم. امپریالیسم آمریکا روزی دارد تادری تحریم اقتصادی، کارخانه ها و مراکز تولیدی ما را از کار بیفتند، تا بتواند تحت فشار اقتصادی و با تحریکات عوامل داخلی خود، جمهوری اسلامی ایران را به سقوط بکشاند.

در شرایط کنونی اخراج کارگران عملاً بسود ضد انقلاب است، زیرا ضد انقلاب می تواند با تبلیغات و تحریکات خود، کارگران را به انقلاب و دست آوردن های آن و آینده آن بدین سازد، کارخانه ها و مراکز تولیدی را به آشوب بکشد، اعتصاب و تظاهرات برپا کند، تا زمینه توطئه سرنگونی جمهوری اسلامی را فراهم آورد.

این همداری است حدی که باید با آن جدی و قاطع برخورد شود. اخراج بی رویه کارگران باید موقوف شود. از سیروی آنها باید برای تامین ضروریات جامعه استفاده کرد و از این طریق از تعطیل شدن کارخانه و مراکز تولیدی جلوگیری بعمل آورد. مسئولان باید تصمیمات لازم را برای جلوگیری از این عمل اتخاذ کنند و مدیران شرکتی را که کارگران را بدون دلیل اخراج می کنند، مورد بازخواست قرار دهند. از آنها سلب مسئولیت کنند و افرادی لایق کاردان و مومن به انقلاب را جایگزین آنها سازند. هرگونه اهمال و کم کاری، هرگونه سستی و عمل نسنجیده خواهد ناخواه به برپان انقلاب است. انقلاب می طلبد که با مسائل موجود قاطع، انقلابی، اصولی و منطقی برخورد شود. هر برخوردی جز این بسود انقلاب نیست.

مسئله وابستگی ایران به امپریالیسم و مسئله رفع این وابستگی و نامی استقلال واقعی کشور امری بود که پس از انقلاب در دستور روز قرار گرفت. برای رفع وابستگی نیاز است که طبق برنامه های دراز مدت، در ایجاد صنایع مادر و خودکفایی کشاورزی ارتتام امکانات موجود استفاده شود. این امکانات باید گسترش یابد، تکمیل شود و مورد بهره برداری قرار گیرند. طبق سخنان دکتر ده، اساسی شرکت سهامی مطالعات و گسترش پرورش کرم ابریشم می باشد تا با سرمایه ریزی صحیح و اصولی مورد بهره برداری واقع قرار گیرد.

می توان با بهره گیری از این امکانات و گسترش آن، علاوه بر تامین بازار داخلی، محصولات آبراهه خارج از کشور نیز صادر کرد. دولت باید خود بر امور شرکت نظارت داشته باشد، مواد اولیه و ضروری آن را تامین کند و برای بستر کار، با بهره گیری از تجربیات کشورهای پیشرفته و با برنامه ریزی صحیح و علمی، کارآیی شرکت را بالا ببرد. البته برای بسود کار باید از تمام نیروی ممکن استفاده کرد و از هر عملی که بتواند خللی در این امر ایجاد کند یعنی آن چه که متاسفانه در این شرکت روی داده است، یعنی اخراج

ماده سی و سه قانون کار را میتوان لاقط معوق گذارد

از اخراج خودسرانه کارگران خودداری کنید!

به مسئول اداره کار کوسزد می کند، او در جواب می گوید: "ان گزارش اولی نادرست بوده است". بدین ترتیب اداره کار هستر با احتساب دو ماه سابقه کار، مبلغ ۱۱۳۰۰۰ ریال خسارت تعیین می کند، تا از جانب کارفرما به کارگر پرداخت شود. کارگر نامبرده برای تجدید نظر در حکم ظالمانه مزبور به اداره کار رشت مراجعه کرده است. در ضمن کارفرما به او گفته است:

"اگر شده صد هزار تومان خرج می کنم، ولی حتی پنج هزار تومان هم اگر حق تو باشد، مجال است بدهم. رضا رحیمی با سائزده سال سابقه کار در کارخانه های گچ تهران، سیما ن تهران، وزنه و بی اف گودریچ، اکنون با شش سرعاعله این چنین مورد ظلم واقع شده است و از فردای خود مطمئن نیست. او با قیافه ای خسته و دلبری شکسته می گوید: "آقا این ادارات باید پاکسازی شوند، اینها نباید مانند زمان طاغوت

است که: "تو کارگران را بحریک می کنی و حرف از تسکین سندیگا می زنی!" رضا رحیمی در پاسخ به کارفرما می گوید: "برفرض که چنین حرفی زده باشم، این حق قانونی ماست. رضا رحیمی برای احقاق حق خود به اداره کار هشتر سکایت می کند. پس از مراجعات مکرر، به رئیس اداره کار می گوید: "تما با این قدرنی که دارید، حطور نمی توانید کارفرما را بسرای ادای توضیحات به اینجا بیاورید؟" مسئول اداره کار هشتر، ضمن توهین به این کارگر می گوید: "حال که این طور شد، دستور می دهم پرونده را به ضرر تو درست کنند".

و این کار را هم می کند. در پرونده های که بسرای رضا رحیمی تشکیل می شود، سابقه کار او بجای ده ماه، دو ماه ذکر می شود. و این در حالی است که در تحقیقات قبلی توسط بازرسان اداره کار هشتر، سابقه کار این کارگر ده ماه ذکر می شود. هنگامی که رحیمی این مسئله را

حدود هس ماه قبل، رضا رحیمی، کارگر می کارخانه "گیلان صدف"، واقع در آستارا، توسط کارفرما، به بهانه های واهی، اخراج شده است. این کارگر از ابتدای نصب کارخانه تا دو ماه پس از آغاز بهره برداری از این واحد، جمعا مدت ده ماه در این کارخانه کار کرده است. ناگفته نماند که تمام کارهای فنی کارخانه بر عهده او بوده است. رضا رحیمی بکروز، هنگامی که به راندگی لودر مشغول بوده با مامور سیمه مواجه می شود. مامور سیمه از او می پرسد: آیا بیمه هستی؟ او در پاسخ می گوید خیر. آن گاه مامور سیمه در مقابل این کارگر از کارفرما بازخواست می کند و در مورد حقوق کارگران به او کوسزد می کند.

کارفرما از آن روز به بعد بسا رحیمی سرنا سازگاری می گذارد. ترس او از این بوده که مبادا این کارگر گفته های مامور سیمه را بسایر کارگران بازگو کند. سرانجام یک روز او را بدون هیچ دلیل و بهانه ای از کارخانه اخراج می کند. کارفرما به کارگر سمرده گمه

مواد اولیه کارخانه «سایپا» را می توان و باید از کشور های دوست انقلاب ایران تهیه کرد
با تغییر خط تولید، از امکانات کارخانه «سایپا» برای تولید ضروریات جامعه استفاده کنیم

اراعا زجگ تحمیلی رژیم صدام به میهن انقلابی ما، تولید کارخانه اتومبیل سازی "سایپا" بتدریج کم شده است و مدتی است عملاً تولیدی ندارد. علت کم شدن تولید عبارتست از: ۱- اخلال در امر فرستادن وسایل و لوازم ضروری برای ادامه تولید. ۲- امپریالیسم فراسه این وسایل را بسا کسری و توام با ضایعات و تاجیر زیاد ارسال می کند. توقف تولید در ابتدا به علت این تاخیرها بود.

۳- مدیریت غیر مسئول کارخانه نیز مانعی است برای ادامه تولید. مدیریت کارخانه از یک طرف مانع انعقاد قرار دادهای جدید با کشورهای دوست امپریالیستی می شود و از سوی دیگر، به بهانه های مختلف از هر نوع اقدامی که نتواند در بسیرد امر تولید و ادامه آن صورت بگیرد، خودداری می کند. مدیران کارخانه، انقلاب را باعث اصلی کمبودها و نارسائی ها می دانند. حال آنکه خود زمینه ساز و عامل این نارسائیها می شوند. بطور مثال: قسمت تحقیقات، بطور مثال: مسئول یاد دادن و اعلام کردن تعبیرات است که هر چند یکبار از طرف کارخانه سازنده در وسایل داده می شود. این تغییرات سایدوسیله تلکس از فرانس به آنها اطلاع داده شود و آنها نیز به اطلاع کارگران برسانند. در حالیکه قسمت تحقیقات ظاهر منوجه تغییرات نیست و آن را اعلام نمی کند. با اینحال کارگران خود تغییرات را تشخیص می دهند و کارگر جدید آنرا فراموش می کنند.

در این کارخانه از سوی زمینه های کم کاری و متوقف تولید ایجاد می شود، و از سوی دیگر عوامل ضد انقلاب، که در سست های مهم نفوذ کرده اند، علیه انقلاب رهبری آن و روحانیت مبارز و نیروی خط امام تبلیغ می کنند. این نابسامانیها، که می تواند کارخانه را به تعطیلی کامل بکشاند، تخریبی زیادی برای کارگران مومن به انقلاب کارخانه ایجاد کرده است. شرایط حساس کنونی می تواند کم کاری و تعطیل شدن مراکز تولیدی و کارخانه ها را بسدیرا بسا. لزوم حفظ و تحکیم کسرتس انقلاب ایجاب می کند که از تمام می توان و نیروی ممکن استفاده شود، و برای اینکار اقدامهای قاطع و انقلابی

باید با تصویب قانون کار مترقی و پاک سازی ادارات، گام دیگری در راه بهبود وضع کارگران زحمتکش ایران بردارند و به این وسیله کارگران قهرمان را نسبت به آینده امیدوار سازند. ما بویژه توجه مسئولین وزارت کار را به سرنوشت دردناک این کارگر زحمتکش جلب می کنیم. اما قبل از هر چیز باید کابوس مرگبار ماده ۳۳ قانون کار کنونی از زندگی کارگران برداشته شود.

باشد. " از او پرسیدیم: جاره کار چیست؟ در پاسخ گفت: "کارگران باید با هم متحد شوند. باید سندیگا تشکیل دهند و هوای همدگر را داشته باشند. این بی عدالتی است که عده ای در کارخانه ها اینطور با ما رفتار می کنند". مسئولین امر باید در عمل باین کارگر ستمدیده بفهمانند که دوران بی عدالتی سپری شده است. آنها

لازم است. با بیروزی انقلاب فشار کشورهای امپریالیستی بر ایران، برای بزاندور آوردن انقلاب و خرد کردن عزم راسخ مردم ما فرسونی بیافت. با گذشت زمان وبا تعمیق انقلاب این فشار بیشتر شد. یک نمونه آن محاصره اقتصادی و عدم ارسال مواد ضروری و لازم بود که بدون تردید انفروانی برحکونگی تولید در کارخانه ها گذاشت.

اما اینکار بدینجا ختم نمی شود. کارفرماها و مدیران طاغوتی، که بحق یکی زحسان ترین مبره های ضد انقلاب هستند، با خرابکاری در کارخانه ها و مراکز تولیدی بر نابسامانیهای موجود دامن زدند. آنها خود عمدا مانع رسیدن مواد اولیه به کارخانه ها شدند، ولی انقلاب و رژیم جمهوری اسلامی را مقصر معرفی کردند. حال آنکه خود بهتر از هر کس می دانند که عامل اصلی نابسامانیها و کمبودها امپریالیسم جهانی، برهبری امپریالیسم آمریکا است.

کارفرماها و مدیران طاغوتی می بایستی با بیروزی انقلاب از سست های مهم اخراج می شدند و به جای آنها افراد مومن به انقلاب قرار می گرفتند. متاسفانه این عمل نه تنها صورت نگرفت بلکه با باقی ماندن مدیران طاغوتی براس کارها و در سستهای حساس، فرصت خوبی به ضد انقلاب داده شد، تا بتوانند افراد انقلابی را از کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراج کنند و به جای آنها افراد وابسته به خود را جاسین سازند. اینها خود عوامل مهمی در کم شدن و یا متوقف شدن تولید بودند.

اینگونه حوادث هم اکنون در کارخانه "سایپا" مشاهده می شود. در حالیکه کارگران می توانند با حداقل امکانات کارخانه را بکار اندازند و به تولید پردازند، مدیران و مسئولان کارخانه، با بهانه های مختلف و اشکال تراشی های گوناگون، کارخانه را از ادامه تولید باز داشته اند.

وظیفه مسئولین است تا با مدیران طاغوتی، و نالایق برخوردی قاطع و انقلابی داسه باشند. کم نیستند افراد لایق و مومن به انقلاب که بتوانند اداره امور کارخانه را بدست بگیرند. باید از این افراد به جای کارفرماها و مدیران طاغوتی استفاده کرد و وضع نابسامان کارخانه ها را سامان بخشید.

در نامه "مردم" بارها در مورد ضربات جدی که این افراد می توانند به انقلاب بزنند و نفس مخرب آنها سخن رفته است و بارها توصیه شده است که هرچه زودتر به جای آنها افراد انقلابی به کار گمارده شود. در مورد مواد اولیه نیز اقدام دولت در تامین مواد اولیه کارخانه ها اقدام امیدبخشی است.

باید با تصویب قانون کار مترقی و پاک سازی ادارات، گام دیگری در راه بهبود وضع کارگران زحمتکش ایران بردارند و به این وسیله کارگران قهرمان را نسبت به آینده امیدوار سازند. ما بویژه توجه مسئولین وزارت کار را به سرنوشت دردناک این کارگر زحمتکش جلب می کنیم. اما قبل از هر چیز باید کابوس مرگبار ماده ۳۳ قانون کار کنونی از زندگی کارگران برداشته شود.

گذری به روستاهای استان کرمانشاهان اجرای قانون اصلاحات ارضی، بسود دهقانان تهیدست، موجب تقویت جبهه انقلاب می گردد

نحوه عمل روستائیان زحمتکش برای واگذاری زمین

اهالی هنگام کشت بهاره و قبل از ورود هیئت هفت نفری، بعد از مدت‌ها بحث و گفتگو، سرانجام با تکیه به اتحاد خود و تکیه به رسم هرساله که زمین‌ها را نخود می‌انداختند، تصمیم گرفتند اراضی را بدون کشت نگذارند و مردانه دست به عمل زدند و اراضی مالکان را گرفتند و کشت کردند.

بدین ترتیب، ابتدا ده خانوار متحداً سه خورار نخود پاشیدند که ۱۲ خورار از زمین مالکان را شامل می‌شد و بعد، در قسمت دیگر روستا، ۷-۸ خانوار مبادرت به کشت قسمت دیگری از زمین‌های مالکین کردند و سرانجام با آمدن هیئت به ده، صادره زمین‌ها سکل قانونی به خود گرفت و فعلاً ترکیب زمین‌ها به قرار زیر است:

کل اراضی روستای بابان یاور ۸۴۵ هکتار است که از این مقدار ۵۲۰ هکتار بین اهالی تقسیم گردید. زمین‌های ده بطور عمده دیمی است. بعد از صادره زمین‌ها، روستائیان به اقدامات مثبتی دست زدند. از جمله هنگام کم شدن گازوئیل، اهالی متوجه شدند که درخانه یکی از مالکین ۱۵ بسکه گازوئیل احتکار شده، که برای تراکتور و شوفاز منزلش در شهر مخفی کرده بود. اهالی هفت بسکه از گازوئیل‌ها را صادره کردند و سه بسکه آنرا به مالک دادند. دیگر این‌که، ۲۵ نفر از اهالی قبل از این‌که مالک‌ها سرپرستی بسیج عشایری را به عهده بگیرند، در این نهاد بیت نام کرده بودند، ولی به محض این‌که متوجه موضوع شدند، همگی استعفا دادند. اهالی می‌گویند:

"اگر مالک‌ها در بسیج باشند، ما نمی‌رویم" عده‌ای از اهالی با تاسف به این مسئله برخورد می‌کنند. آنها می‌گویند:

"وقتی مالک‌ها مسلح نبودند، دیدیم چطور از زندان آزاد شدند، حالا که دیگر مسلح هم هستند."

دیگری می‌گفت:

"به خدا اگر تا زیرچوبه دار هم بروند، کریم‌خان سنجابی آنها را نجات می‌دهد."

اهالی بابان یاور مبلغ ۲۱۰۰ تومان جهت کمک به آوارگان جنگ به کمیته امداد امام پرداخته‌اند.

روستای بابان یاور فاقد برق، حمام، مسجد و درمانگاه است. مدرسه مخروبه است و امکان ریزش آن وجود دارد. ده دارای منبع آب و لوله‌کشی است، که سیرهای آب آن شکسته است. موتور آب هم کمی خراب است. ده فاقد شورا است. در روستا فقط دو موتور پمپ است، که به مالکان تعلق دارد. از آب چاه استفاده می‌شود، که در دومتی به آب می‌رسد. در روستای بابان یاور زنان به قالی بافی و گلیم و حاجیم بافی مشغول هستند. ضمناً به اهالی کوبین قند و شکر داده‌اند و تاکنون نیز به هر خانوار یک بیت نفت رسیده

است. نسکیل شورا می‌تواند کمک مهمی به این دهقانان بی‌سدار و حق طلب بکند.

* روستای ملک خطابی در ۱۵ کیلومتری غرب کرمانشاه واقع است و با جاده اصلی کرمانشاه-کوزران ۱/۵ کیلومتر فاصله دارد. جمعیت این روستا ۱۳۰ خانوار است. در روستای ملک خطابی تا قبل از انقلاب مالکین اراضی مزروعی و قابل‌کشت روستا را در دست خود داشتند. لیکن به برکت انقلاب و فعالیت هیئت هفت نفری و هم اهالی زحمتکش، بیست‌زمین‌های متعلق به مالکان، که در شهرکوت داستند، تقسیم گردیدند. این گام بزرگی است که برداشته شد، لیکن کافی نیست و هیئت‌های هفت نفری باید موظف شوند که تا تقسیم آخرین قطعه‌های اراضی مالکان بزرگ، که در شهرها دارای دکان‌ها و مؤسسات اقتصادی دیگر هستند، دست از فعالیت مریخ‌خس خود برندارند.

کشاورزان زحمتکش روستای ملک خطابی زمین‌های صادره شده را با وام و بذل و تراکتوری که جهاد سازندگی در اختیارشان قرار داده است، به طریق مشاع و تعاونی به زیرکشت برده‌اند.

تا قبل از واگذاری اراضی به دهقانان، در این روستا ۱۶ خاور بی‌زمین و ۱۲ خاور کم‌زمین وجود داشت. مقدار اراضی تحت مالکیت مالکان بزرگ نیز به قرار زیر بود:

یکی از بزرگ مالکان ۱۰۴ هکتار زمین داشت، که ۷۵ هکتار آن را به ۳ پسرش منتقل کرده بود و در نتیجه تنها ۲۹ هکتار منقول تقسیم قرار گرفت. دیگری ۱۰۰ هکتار زمین داشت، که تماماً صادره و تقسیم شد. سومی نیز ۷۵ هکتار داشت، که چون ۲۵ هکتار آن را به پسرش داده بود و ۴۰ هکتار را نیز در مالکیت خود نگهداشته بود، مسئول تقسیم نگردید و بالاخره بزرگ مالک چهارمی، که ۱۰۷ هکتار زمین داشت، به جز ۴ هکتار، بقیه صادره و تقسیم شد.

به هنگام گفتگو با اهالی روستای ملک خطابی، مردم ضمن دفاع از انقلاب و رهبری امام خمینی و تأیید اقدامات مثبت هیئت هفت نفری، در بعضی موارد از عمل بعضی از افراد مغرض که هدفی جز دفاع از قدرتمندان زر و زور ندارند، اظهار ناراحتی و گله می‌کنند. آنان می‌گویند:

"بهتر است که هیئت در موقع تقسیم اراضی مالکان بی‌ایمان به سخنان اهالی بی‌توجهی نشان ندهد، بطوری که بر اثر این بی‌توجهی یکی از بزرگ مالکان که زمین‌هایش حتماً می‌بایست به دهقانان واگذار شود، راه فراری پیدا کرد و ۷۵ هکتار آن را به نام سه پسرش به ثبت رساند و به این وسیله مقدار قابل توجهی از زمین‌هایش را نگه داشت و دهقانان محروم ماندند. این موجب شده است که مسئولین و هیات تقسیم زمین فعلاً در مورد این قسمت از زمین‌های او، که با کلاهبرداری از چشم مأمورین دور ساخته، تصمیمی اتخاذ نکرده‌اند."

یکی از اهالی می‌گوید:

"این بی‌توجهی تقصیر همه افراد هیئت نبود. ما هر وقت

می‌خواستیم به هیئت شکایت کنیم یکی از مسئولین بود که از کار ما جلوگیری می‌کرد. او در موضع دفاع از مالکان قرار داشت و این شخص بود که به مالک حکم استفاده و بهره برداری از اراضی را داده بود."

روستای ملک خطابی فاقد مسجد، درمانگاه، حمام، آب‌لوله کشی، برق و دیگر امکانات راهی است. کوجه‌های روستا برازکافات و فضولات حیوانات است و در زمستان نیز پراز گندآب و گس می‌شود. روستا فاقد شورا است و فقط به هنگام تقسیم زمین، سه نفر از افراد بی‌زمین و کم‌زمین انتخاب شدند.

حفظ هیئت‌های ۷ نفری از نفوذ عناصر ناباب و افراد دست‌نشانده فتوادلها یک وظیفه مهم انقلابی است.

* روستای چهارزبرسلفی، یکی از روستاهای بخش ماهیدشت، واقع در شهرستان اسلام آباد کرمانشاه است. این روستا در ۲۳ کیلومتری جنوب غربی کرمانشاه قرار دارد. روستا ۷۲ خانوار را در برمی‌گیرد، که از این تعداد ۵ خانوار خوش‌نشین هستند. مساحت کل اراضی تحت مالکیت بزرگ مالکین روستا، قبل از فعالیت هیئت هفت نفری ۱۱۷ هکتار بود، که از دو قطعه ۱۱۰ و ۷ هکتاری تشکیل می‌شد و هر قطعه به یک مالک تعلق داشت. مالکین ده باهم نسبت خویشاوندی دارند.

نحوه تقسیم زمین

با کمک هیئت هفت نفری، ۳ نفر از اهالی به عنوان نماینده انتخاب شدند. به هنگام شروع کار هیئت، در مجموع ۲۴ نفره نام خوش‌نشین ثبت نام کردند. ولی همه اهالی در این مورد اتفاق نظر نداشتند. یک نفر می‌گفت:

"... بعضی از این ۲۴ نفر یا خود و یا پدرانشان دارای زمین کافی و ممر درآمدهای گوناگون هستند. از جمله یکی از این افراد دارای یک ساختمان در کرمانشاه، یک تراکتور، یک اتومبیل و ۱۱ خورار زمین زراعتی است و یکی از پسرانش هم افسر است. همچنین این فرد رباخوار هم هست و اکثر زمینها را از راه رباخواری بدست آورده است."

در هر حال، ضرورت دقت کامل در امر تحقیق، البته مسهود است. از ۱۱۰ هکتار زمین، ۷۰ هکتار به ۲۴ خوش‌نشین تعلق گرفت، که به طور مشاع مورد بهره‌برداری قرار گیرد، ۴۰ هکتار نیز در مالکیت مالک ده باقی ماند. بر سر ۷ هکتار زمین باقی‌مانده، که طبق حکم هیئت به ۲۴ نفر خوش‌نشین تعلق گرفته، با مباشر قبلی مالک اختلاف هست. مباشر مزبور مدعی است که این زمین‌ها باید به او داده شود. یکی از نمایندگان این ۲۴ خوش‌نشین می‌گفت:

"همین امروز با فردا این ۷ هکتار را هم شخم خواهیم زد. ما حکم داریم و مباشر به تحریک مالک

قصد دارد در ده اختلاف ایجاد کند خودش ۶ خورار زمین دارد." بزرگ مالکان معمولاً با ایجاد اختلاف و با به جان هم انداختن روستائیان، می‌خواهند مانع کشت شوند و اراضی را بی‌فایده نگذارند خوشبختانه از سوی اداره عمران و امور روستاها، برای سخم زمین‌ها، به خوش‌نشینان تراکتور داده شده است.

روستای چهارزبرسلفی فاقد برق، حمام، درمانگاه و مسجد است. آب آشامیدنی اهالی از رودخانه، که آلوده است، تأمین می‌شود. مدرسه روستا دو کلاس است. ۷ نفر از اهالی در بسیج عشایری شرکت کرده‌اند. روستائیان از این که شرکت تعاونی تاکنون به آن‌ها قند و شکر نعت رسانده است، شکایت دارند. اهالی این ده همچنین ۷ خانواده از آوارگان جنگی قصرخیرین را نزد خود سکنی داده‌اند.

* روستای توبره ریز در بخش درو فرمان واقع است که تا سپهر کرمانشاه ۲۷ کیلومتر فاصله دارد. از این ۲۷ کیلومتر ۱۵ کیلومتر آسفالت و ۱۲ کیلومتر خاکی است. در این روستا ۴۰ خانوار زندگی می‌کنند، که ۸ خانوار آن خوش‌نشین هستند.

مالک ده دارای ۶۰ خورار از اراضی روستا بود. ۶ خانوار از اهالی مدعی مالکیت ۶۰ هکتار از اراضی مذکور بودند. مالک مذکور پذیرفت که این خانوارها ۶ هکتار را ببرند و ۶۰ هکتار نیز به بی‌زمین‌ها واگذار گردد.

دو نفر از اهالی برای شرکت در هیئت واگذاری زمین انتخاب شدند که هر دو صاحب زمین هستند. از سوی جهاد در مورد خوش‌نشین‌ها آمارگیری شد و ۲۵ نفره عنوان خوش‌نشین ثبت نام کردند. اراضی مالک فعلاً تا تعیین تکلیف، به وسیله هیئت به طریق مشاع کشت می‌شود. کل اراضی روستا حدود ۳۶ جعت است، که هر جفت ۱۰ هکتار کال و مکال است.

متأسفانه هنوز روستای توبره ریز فاقد شورا است. وضع جاده روستا خوب نیست و در زمستان‌ها رفت و آمد وسایل نقلیه قطع می‌گردد. آب آشامیدنی از چاه تأمین می‌شود. اهالی برای برق تقاضا داده‌اند. مدرسه روستا ۱۸ - ۱۹ محصل و یک معلم دارد و وضع ساختمانی آن خوب نیست. در روستا حدود ۷۰۰ گوسفند و بز و ۵-۶ ماده گاو هست. دوسه خانوار در شهر هستند که اراضی آنها در روستاست. حدود ۵ نفر از اهالی در کوره کار می‌کنند.

* روستای قلعه قباد، یکی از روستاهای کوچک بخش درو فرمان واقع در کرمانشاه است. این روستا ۱۸ خانوار را در برمی‌گیرد و جمعیت آن به ۱۰۰ نفر می‌رسد. از ۱۸ خانوار ساکن در روستا ۴ خانوار خوش‌نشین هستند. مساحت کل اراضی قلعه قباد ۲۱ جعت (هر جفت ۱۲ هکتار) است. مالک ده ۳ جعت زمین داشت، که در اختیار ۴ خوش‌نشین گذارده شده‌اند. ۲ نفر از اهالی برای شرکت در هیئت واگذاری زمین انتخاب شده‌اند. در این روستا شورا تشکیل شده است (اعضا: شورا ۵ نفر هستند که ۴ فر صاحب زمین و یک نفر بی‌زمین است).

روستای قلعه قباد فاقد آب لوله‌کشی، حمام، مدرسه و برق است. جاده روستا خاکی و خراب است. روستائیان در خطر حمله و سرقت هستند و اسلحه برای دفاع از خود ندارند. در روستا یک قنات وجود دارد، که در حال حاضر مسدود است. نگاهی گذرا به این روستاهای استان کرمانشاهان و نیز دیگر روستاهای میهمان، این حکم انقلاب را بقیه در صفحه ۶

حل سریع مشکل آب آشامیدنی مردم زاهدان، ضروری است

مردم زاهدان مدت‌هاست که از فقدان آب آشامیدنی سالم و بهداشتی رنج می‌برند. آب‌زاهدان دارای املاح کوناگون است و برای آشامیدن مناسب نیست و تاکنون عده زیادی به‌راستی آشامیدن این آب، دچار بیماریهای مختلف شده‌اند. در زمان بزیم سابق، ساختمان یک تصفیه‌خانه بزرگ، که به گفته بعضی از مسئولان بزرگترین نوع خود در خاورمیانه بوده است، شروع شد و در آستانه انقلاب پرتشوکه مردم ایران، به پایان رسید. پس از انقلاب، متخصصین متوجه شدند که به فیلترهای این تصفیه‌خانه، مخصوص املاح موجود در آب شهر نیستند و لذا باید تعویض شوند. ولی از آنجا که لوازم یدکی این تصفیه‌خانه که ساخت آمریکا است در ایران موجود نبود، موفق به اینکه نمی‌شدند، یا توجه به تحریم اقتصادی ایران از جانب

امپریالیسم آمریکا و متحدینش در اردیبه‌ماه و مطفه، فراهم کردن این لوازم و در نتیجه آغاز کار تصفیه‌خانه دچار مشکلاتی شده است. اکنون که مردم زاهدان در پیروا مجبور به استفاده از آب غیر بهداشتی این شهر شده‌اند، از مسئولان وزارت نیرو و سازمان آب کشور می‌خواهند که برای رفع این مشکل اقدام فوری به عمل آورند. اقدام فوری مسئولان در جهت بکارانداختن تصفیه‌خانه شیر، یکی از مشکلات بزرگ مردم محروم و زحمتکش زاهدان را حل می‌کند و بدین ترتیب ضربه دیگری خواهد بود بر امپریالیسم آمریکا و متحدینش، که تصور می‌کردند بنا محاصره اقتصادی ایران و افزودن بربنگلات مردم، می‌تواند انقلاب ایران را به زانو درآوردند.

اجرای قانون...

نقیه ارفصفحه ۵
ناید می‌کند که : در وهله اول، آثار حرکت انقلابی و هدف فاسوسی همیشگی هم‌فرو باید اجرای قانون اصلاحات ارضی. به قصد ریشه‌کن کردن نام و مقام بزرگ مالکی باشد. زمینداران بزرگ اغلب اراضی تحت مالکیت خود راه طریق غصبی بدست آورده‌اند. لذا این اراضی حق مسلم دهقانان سپی‌دست و محروم است و باید حق به‌حق قرار گیرد. هیچ عضوی از اعضاء هیئت‌های هفت نفری نمی‌تواند خلاف قانون مصوبه رفتار کند و حق ندارد به حیرتی جز حکم انقلاب نایدید و در موضع دفاع از مافع زمینداران بزرگ قرار گیرد. هیئت‌های هفت نفری به هنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی باید دمیها مواظب حیلها و ترغندهای بزرگ مالکان باشند و این حیلها را ریزطر بگیرند. همچنین به هنگام واگذاری اراضی بزرگ مالکان، زمین‌ها را در درجه اول به کسی واگذار کند که واقعا مستحق آن هسد. خوشخا

نقیه ارفصفحه ۵
ناید می‌کند که : در وهله اول، آثار حرکت انقلابی و هدف فاسوسی همیشگی هم‌فرو باید اجرای قانون اصلاحات ارضی. به قصد ریشه‌کن کردن نام و مقام بزرگ مالکی باشد. زمینداران بزرگ اغلب اراضی تحت مالکیت خود راه طریق غصبی بدست آورده‌اند. لذا این اراضی حق مسلم دهقانان سپی‌دست و محروم است و باید حق به‌حق قرار گیرد. هیچ عضوی از اعضاء هیئت‌های هفت نفری نمی‌تواند خلاف قانون مصوبه رفتار کند و حق ندارد به حیرتی جز حکم انقلاب نایدید و در موضع دفاع از مافع زمینداران بزرگ قرار گیرد. هیئت‌های هفت نفری به هنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی باید دمیها مواظب حیلها و ترغندهای بزرگ مالکان باشند و این حیلها را ریزطر بگیرند. همچنین به هنگام واگذاری اراضی بزرگ مالکان، زمین‌ها را در درجه اول به کسی واگذار کند که واقعا مستحق آن هسد. خوشخا

**در جنگ عادلانه
بر ضد رژیم
صدام حسین
و برای دفاع
از میهن انقلابی
شرکت کنیم!**

ناید مضمین یابد. این سرمعی است برای مسئولان امر که ناید همراهان با اجرای قانون اصلاحات ارضی، وسایل کار روستائیان را فراهم کند. در روستاهای گرمسار که فادون عطفی سده، حق به‌حق قرار رسیده و هیئت هفت نفری به دهقانان زمین داده است، بایگاه انقلاب حکیم یامه است و آید مطنش اعتلای کاوروری مضمین سده است. دره‌محا و هرچه رودر باید به همین راه رفت.

یامه، با حامعهای رها از اسما و طغاب مسگر و مسضعف، کسوری صدامریالیسی، صداسعماز، صد سلطه‌گری، حامی همه کسورها همه حلفهای که برای کس و نامیس اسفلال در مارزها با امریالیسم سلطه‌گر برحساند، وجوددارد. واقعبت اس اس که جهان به "سه جهان" نسیم سده، لنگه جبهه عظیم سرد دوران سار و باربح ساری در آن برقرار سده که، یکسوی این جبهه امریالیسم، سرکردگی آمریکا و همه دولتهای دست‌ساده آن فرارگرفته‌اند و در سوی دیگر اس جبهه کشورهای سوسیالیسی، حسن کارگری جهانی، همه کسورهای مسعلی که با امریالیسم درگیرند و همه حسنها آزادی‌جسی که خاطر اسفلال خود می‌رمد. این سمیرو که در ایسوی جبهه فرارگرفته‌اند، محد طبیعی یکدیگرند و هرکوه عرقه میان آنها، سود امریالیسم جها‌خوار است.

واقعبت این اس که اسقلال چیزی سیست حر عدم وابستگی. وابستگی یعنی موقعی که در آن کسور و خلفی، به ریان مصالح خوین در معرض ححمیل اراده اسارگرانه و حائل‌گرانه کسور دیگری فرارگرفته باشد. آنگاه که کسور و خلفی یواند فارغ ار هرگونه عود و سار و ححمیل اراده عرض آلود خارجی، در حبه نامیس مصالح حل و کسور و بود رس و ترقی خود مصمم گنرد و مساب خود را در این جبه سا دیگرسورها سرمای اسرام‌بی‌حده متقابل به اسقلال و حق حاکمیت، عدم مداخله مقابل درامرداخلی، برابری کامل حقوق و نفع معاف عادلانه برقرار کند، آن کسور دیگر واسه سیست، مسقل است.

و سخن ما این اس که : رابطه جمهوری اسلامی ایران، باهر کسور خارجی، هرکسوری بدون اسسا، اعم از کسورهای سرمایه‌داری و سوسیالیسی، باید بر مبنای اصول فوق برقرار گنرد. وما معقد و مطنش هسیم که بایک حسین موقع گیری، خود بخود و ضمن تجربه و عمل، دیوار سپی‌داری‌ها سکسه خواهد شد، مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کسورهای حامی اسفلال صدامریالیستی و خلفی ایران برقرار خواهد گردید، راه ححمیل اراده اسارگرانه غارگرانه کسورهای امریالیسی بسه خواهد شد، عدم وابستگی و اسقلال جمهوری اسلامی ایران حفظ، تسبب و تحکم خواهد گنرد.

دوم و سوم به اضافه ابر قدرت دورر (آمریکا) علیه ابر قدرت سردی‌سر (سوروی) نوجود آید. با این "نثوری" و سیاساسی ار آن، و یا دمی‌سر بگوتیم، با این سیاست که برای آن "نثوری" ساخته س، حسین مائو تیس‌سر ارحیب آمریکا درآورد!

رای ساحس این "نثوری"، می‌یاسی سوسیالیسم "حذف" سود. مائو تیسیم آرا "حذف" کرد. می- یاسی اروپای عربی و راس در معرض شهید ابر قدرت‌ها معرفی سوسد. مائو تیسیم آنها راحسین وانمود کرد. و جون اروپای عربی و راس محد آمریکا هسد، خطر عمده‌ای که آنها را شهید میکند، خطر سوروی س، بدیسان، حسین مائو تیسسی، هم‌در عرصه سیاست و هم در عرصه سلطیات همدست آمریکاند. و در سیه، غیر ار آرو بریری، در معرض انواع عواقب محرب ساسی ار این سیاست صند- اسفلالی و بریری حویابه واقع س. عبرت‌انگیر سیست؟

"نثوری" مائو تیسسی "سه‌جهان" ناگهان به وجود سیامد. این "نثوری" ار سلطیات امریالیسم، سرکردگی آمریکا، مایه گرب. سس ار آنگه بعدارحک دوم جهانی، به عوان دولسی اسعمارگر و "ژاندارم بین‌المطلی" ساخته س، در صدد "تقسیم بی‌آبرویی" خود برآمد. در سلطیات امریالیسی اصطلاح "دوا بر قدرت" نگار گنرمه س، با بوسیلها، این سگرد سلطیاسی، سوروی سیر جیری مامد آمریکا معرفی س. مائو تیسیم این نگرد سلطیاسی را به سطح "نثوری" "ارغاء" داد و نام سوروی را "سوسیال‌امریالیسم" گذارد. دیگرسورهای سوسیالیسی سیر "اقمار سوروی" و "دست‌ساده سوروی" و "در معرض عارب سوروی" معرفی سندا. بدیسان، مائو تیسیم در خدمسگری به امریالیسم، به سرکردگی آمریکا، سوسیالیسم را "ناید" کرد. "نثوری سه‌جهان" مائو تیسسی، نکامل سگرد سلطیاسی امریالیسم اس، که در عرصه نیاست، حسین مائو تیسستی را عملا به صورت متحد آمریکای جنایکار برای سلطه‌گری بر دیگر کسورها و خلق‌ها درآورد. عبرت‌انگیر سیست؟

می‌داند که این کسورها، کسورهای رس‌دیاسه سرمایه‌داری سا مرحله امریالیسی هسد؟ ناید می‌داند که کسورهای اروپای غربی در همان نیما آنلاسک سالی متحدان آمریکا هسد؟ ناید می‌داند که سرمایه‌های احصارگری که در این کسورها عذب حاکمه رادر دست دارند، سرمایه‌های "چند ملیتی" هسد که در آنها "سهم سیر" معلق به احصارهای آمریکائی اس، و لذا این کسورهای اروپای عربی محورید در مسر سیاسی آمریکا حرکت کند؟ مگر می‌داند که این کسورها دست در دست آمریکا همه‌گونه مسار (ار حمله بحریم افسادی) و همه‌گونه بوطنه علیه جمهوری اسلامی ایران طرح و اجرا می‌کند؟ مگر نمی‌داند که اگر ما با اروپای غربی رابطه سلطه و ریر سلطه برقرار کیم، دوازده به همان روز زمان ناه بی‌وطن می‌یاسیم؟ مگر متوجه سیسد که در این صورت آمریکا سیر محدا ار "سجره" اروپا به کسورما "سریف خواهد آورد"؟

کاملا آشکار اس که نظراب آقای بنی صدر درباره اسقلال و عدم وابستگی، مسافه راه به سوی "نثوری" مائو تیسسی "سه‌جهان" می‌برد. ولی قل از این که به مضموی و هدف سیاسی این "نثوری" اساره کیم، بدیست معل قول دیگری ار ایسان بی‌آوریم : " ایران آماده اس در کوتام ترین مدت یک کمک بدون قید و شرط به ترکیه بدهد. ایران و ترکیه می‌توانند یک جبهه مشترک علیه دو ابر قدرت بوجود آورند ". (اطلاعات ۱۹ اسفند ۱۳۵۸)

نثوری مائو تیسستی (سه‌جهان)
خلاصه مضمون نثوری "سه‌جهان" جسی اس : جهان به سه گروه از کسورها و جهان اول مرک از دو ابر قدرت غربی اس. جهان سوم سرفعه جهان اس. دوجهان دوم و سوم در معرض خطر سلطه‌حوسی جهان اول اس. پس جهان سوم و جهان دوم باید "جبهه مشترک علیه دوا بر قدرت بوجود آورند". ار آن دوا بر قدرت (که صما با هم رقتیبد) کدام خطرناک‌تر اس؟ آنگه نزدیک سر اس. پس دشمن درجه یک، دشمن اصلی، سوروی اس، نه آمریکا. پس "جبهه مشترک" باید از دوحهان

نیست، پس سلطه‌گر هم نیست و بنا بر این رابطه با او به معنای رابطه شخصی مستقل اس، این یک‌فریب اس و آنهایی که هم که از چنین بیانی دفاع می‌کنند، می‌خواهند مردم را بفریبند.

حالا مسوجه شدید که آن "اسدلال" عجیب و غریب و آن "عریف" عجیب و غریبتر از عدم وابستگی و اسقلال، برای رسیدن به کدام هدف اس؟! اگر عدم وابستگی را غیر قابل دسترسی و اسقلال را ناممکن سلطه و ریر سلطه بدانیم، آنگاه ضمن "حذف" سوسیالیسم عوان جمله "نحلی"، می‌تواسیم سوروی را نیرمانند آمریکا، سرمایه‌دار، امریالیست و سلطه‌گر، معرفی کنیم، "سوطن موهود" ساسی ار تلطیات صدیس ده ساله امریالیستی صند سوروی را دامن رنیم و بدین وسیله از برقراری رابطه حسنه بین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد سوروی و دیگرسورهای سوسیالیستی و دیگرسورهای که با کسورهای سوسیالیسی مساحت‌حه گسزده دارند، (تحت عوان وابسه بودن آنها به سوروی) جلوگیری کنیم و به دنبال آن دیگر خود خود راه قول مجدد سلطه امریالیسم هوار خواهد بود، ریرا می‌سوان رابطه با جهان خارج برقرار کرد، و جون، هسز رابطه‌ای، رابطه سلطه و ریر سلطه اس، لذا باید گردن مجددا بدیرفت. این، به‌مظر آقای بنی صدر، مریب سیست!

ساید آقای بنی صدر اصولا مخالف با برقراری هر رابطه‌ای با تمام کسورهای جهان اس، ریرا به نظراسان رابطه‌ای حر رابطه سلطه و ریر سلطه وجوددارد؟ ولی نه، آقای بنی صدر بارها گفته اس : " در مورد ژاپن و اروپا باید بگویم که ابر قدرت‌ها عرصه را بر آنها تنگ کرده‌اند. مایک زمینه مشترک با ژاپن داریم و آن این اس که آنها نیز مانند ما زیر تهدید ابر قدرت‌ها هستند. آنها به منابع انرژی ما احتیاج دارند و ما به تکنولوژی آنها ". (اطلاعات، ۱۳ سپن ۱۳۵۸).

خوب، اگر هر رابطه‌ای بنا به اعتقاد آقای بنی صدر رابطه سلطه و ریر سلطه اس، پس بیسهاد برقراری رابطه با راس و اروپای غربی را چگونه سوجه می‌کند؟ ناید ایسان

استقلال...

بقیه از صفحه ۳
حان که "هیچ بخشی از نیروهای خود را در تبع و در رابطه با خارج به نیروی تخریبی تبدیل نکند"، یعنی ارتس بدانه اس، و هیچ بخشی از حاصل آن نیروها را از کشور خارج ناسزد، یعنی محارت نکد. پس هیچ کسوری می‌تواند مسقل یاسد و کس استقلال کند. آقای بنی صدر، خود به دنبال ارئه تعریف خود از اسقلال، می‌ویسد : "با این تعریف از اسقلال، طبیعی اس که خواننده خواهد گفت پس در این جهان هیچ کشور مستقلی وجود ندارد، و جواسم این اس که : چنین اس."

و سپس ار آن "اسدلال" و این "تعریف" نتیجه‌ای می‌گنرد به شرح زیر :

" چون هیچ کشور مستقلی وجود ندارد، جامعه کاملا آزاد، یعنی جامعه آزاد از مستکبر و مستضعف هم وجود ندارد. در این جهان جامعه‌ها همه طبقاتی هستند و شکل طبقات اس که از این جامعه بدان جامعه تفاوت می‌کند، والا محتوای اجتماعی همه جامعه‌ها طبقاتی اس."

بدین‌سان، آقای بنی صدر، با یک خرخش قلم، سوسیالیسم- نظام واقعا موجود آزاد از مستکبر و مستضعف را حذف میکند و سوس ادا میده : " مشخصات سلطه‌گرها این اس که جذب می‌کنند (جذب می‌کنند؟) یا زور می‌گویند و تحمیل می‌کنند؟) از زیر سلطه‌ها مثل خون می‌کنند و مشخصات زیر سلطه‌ها این اس که نیروها و استعدادها و ثروت‌ها و توان- ها و منابع خویش را به سلطه‌ها میدهند. (دا وطلبانه میدهند؟ یا از آنها می‌ربایند؟)"

آقای بنی صدر بارهم ادا مدهد : " پس اگر ما ببینیم که هر رابطه‌ای متضمن چنین دادوستدی اس، ما می‌گوئیم رابطه رابطه سلطه اس و دیگر فرق نمی‌کند که این رابطه رابا روسیه برقرار کنیم یا با آمریکا. این- ها (توده‌ها) با یک دید نادرستی از واقعبت و یک بیان نحلی تحت عنوان این که کشور روسیه چون سرمایه‌داری نیست، پس امریالیست

نیروه‌های شرکت‌کننده در «سواپو»

در دهه ۵۰، با زورفتن شدن ستم ملی و طبقاتی و چهره‌نمایی خشونت‌خونبار موجود در سرشت نظام نژادپرستانه حاکم، محمل‌های عینی اتحاد نیروهای پایدار در برابر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ایجاد گردید. بر بنیان چنین اتحاد رزمنده‌ای بود که «سازمان خلق آفریقای جنوب غربی»، (سواپو) برای پیشبرد امر مشترک نیروهای گوناگون پیکارگر، به‌خاطر درهم شکستن نظام ناعدالانه تحمیلی از سوی اشغالگران آفریقای جنوبی و کسب استقلال و آزادی بنیان نهاده شد. نیروهای شرکت‌کننده در این سازمان، که تنها نماینده قانونی خلق نامی‌بیا است، عبارتند از:

الف - عناصر آگاه و مبارز طبقه کارگر: پیکره اصلی جنبش آزادی‌بخش ملی نامی‌بیا را عناصر آگاه و مبارز طبقه کارگر نامی‌بیا تشکیل می‌دهد. کارگران، بویژه کارگران فصلی، که همواره تحت بیرحمانه‌ترین اشکال استثمار و خشونت پلیسی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قرار داشته‌اند، در پیامد تلاش‌های نافرجام هر باره‌اشان برای تشکیل کانونهای صنفی و در مبارزه به‌خاطر بهبود شرایط کار، با به‌جا گذاردن صدها کشته و زخمی و زندانی، بیش از پیش به ضرورت تشکیل و ایجاد سازمانی مدافع زحمتکشان، آگاهی‌یافته بودند و آمادگی بسزایی در بنیانگذاری و تحکیم سازمان «سواپو» از خود نشان دادند، تا جایی که امروز درصاف نخست مبارزه آزادی‌ساز سرزمینشان از وجود اشغالگران قرار دارند.

ب- رهبران استقلال‌طلب سنتی: رهبران انقلابی و باشهامتی مانند داوید ویتوئی (رهبر قبیله ناما) و هوزه اکوتاکو (رهبر قبیله هررو) که سالیان دراز رابطه‌تربخش با جنبش انقلابی خلق نامی‌بیا داشتند و با بسیج و سازماندهی

پیکار خلق نامی‌بیا برهبری «سواپو» (۲)



خلق نامی‌بیا، برهبری «سواپو»، مسلحانه برای استقلال و آزادی خود می‌جنگد

پیکر مردم موفق شده بودند، مزدوران آفریقای جنوبی را به مناطق سترون برانند.

پ- روشنفکران مترقی: اقتدار تحصیل‌کرده و روشن‌بین، که از یوغ استثمار، استثمار و ستم ملی رنج می‌بردند و خواستار برقراری نظام اجتماعی - اقتصادی عادلانه بسودتوده‌های خلق بودند.

ت- روحانیون مترقی کلیسا: با آنکه مبلغین مذهبی از نخستین کسانی بودند که با به‌خاک نامی‌بیا گذاردند، ولی دهها سال زمان لازم بود تا مسیحیت بعنوان مذهب رسمی شناخته شود. در دهه پنجاه، کشیش‌های سیاه پوست، به‌گونه‌ای خودمختاری در تبلیغ دست یافتند. این کشیش‌ها، که عموماً پایگاه

طبقاتی خلقی داشتند و طمع‌تاج تبعیض‌نژادی را با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند، نقش بزرگی در روشنگری افکار مردم نامی‌بیا ایفا کردند. یکی از برجسته‌ترین روحانیون انقلابی نامی‌بیا، که در راه استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمد، اسقف لئونارد تاونولد است.

اهداف «سواپو» در پیکار با نژادپرستان آفریقای جنوبی

از آنجا که خلق نامی‌بیا همچنان تحت اشغال نژادپرستان آفریقای جنوبی بسر می‌برد و هنوز از حق تعیین سرنوشت خویش برخوردار

نیست، و رژیم اشغالگر، با اعمال سیاست سرکوب، استقلال و آزادی را از مردم این سرزمین دریغ میدارد، اهداف اساسی «سواپو» بنابه مصوبات مندرج در اساسنامه «سواپو» که در گردهمایی کمیته مرکزی (در ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۸ - لوزاکا) به تصویب رسید، بشرح‌زیر اعلام گردید:

- ۱- نبرد بی‌امان برای آزادی فوری و کامل نامی‌بیا از اشغال امپریالیستی و استعماری؛
- ۲- متحد کردن تمامی خلق نامی‌بیا، قطع نظر از تعلق نژادی، مذهبی، جنسی یا منشاء قومی؛
- ۳- پرورش روح آگاهی ملی، یا احساس یکپارگی هدف و سرنوشت مشترک، در میان خلق نامی‌بیا؛
- ۴- مبارزه علیه هر نوع گرایش ارتجاعی: فردگرایی، قبیله‌گرایی، نژادپرستی؛
- ۵- همکاری گسترده با تمام جنبشهای آزادیبخش ملی اصیل، حکومت‌های مترقی و سازمانها و شخصیت‌ها در سطح جهانی، در راستای حذف کامل نظام استعماری امپریالیسم؛
- ۶- برقراری یک حکومت غیرمذهبی و دموکراتیک در نامی‌بیا، براساس اراده و شرکت تمام خلق نامی‌بیا؛
- ۷- تقسیم حاکمیت خلق از طریق اعمال نظارت موثر بر وسایل تولید و توزیع، و تعقیب چنان سیاستی که راه را برای مالکیت اجتماعی بر تمام منابع کشور هموار سازد؛
- ۸- کوشش برای ایجاد جامعه‌ای بی‌طبقه و بیگانه از استثمار و سرکوب؛
- ۹- تقسیم همکاری حکومت خلق نامی‌بیا مستقل با دیگر کشورهای آفریقایی، در جهت بوجود آوردن یک وحدت آفریقایی؛
- ۱۰- تقسیم همکاری نزدیک حکومت با تمام دولت‌های صلح‌دوست، در جهت تأمین صلح و امنیت جهان.

ادامه دارد

بهبود نبوی...

بینه از صفحه ۱
و «گروگانها» در آستانه آزادی هستند. مهندس نبوی وعده داد که پس از آزادی «گروگانها»، تمام صورت‌جلسات و یادداشت‌های مربوط به مذاکرات پیرامون «گروگانها» در اختیار رسانه‌های گروهی و مردم قهرمان ایران قرار خواهد گرفت. وی تأکید کرد که آزادی «گروگانها» پیروزی جدیدی برای انقلاب ایران است، زیرا در شرایطی صورت می‌گیرد که آمریکا حاضر به آزادی آنها نبود.

سختگویی دولت در پاسخ خبرنگاری که درباره روابط آینده ایران و آمریکا پرسید گفت: «بارها گفته‌ام روابط ما با آمریکا بر مبنای اشغال جاسوس‌خانه و گروگانگیری تیره‌نفسه که با آزادی گروگانها بهبود پیدا کند. روابط ما با آمریکا بر اساس پیروزی انقلاب اسلامی ایران تیره شده آمریکا نمی‌تواند وجود دولت جمهوری اسلامی ما را تحمل کند، و به تمام رسایل متوسل میشود تا علیه انقلاب ما توطئه کند. مسئله برای آمریکا گروگانها نبوده. دشمنی او با ما به‌خاطر پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به خاطر از دست دادن ۶ میلیون بشکه نفت در روز، و به‌خاطر از دست دادن بازار چندین میلیارد دلاری در سال بوده و هست، و بعد از پایان این مسئله هم ما هیچ رابطه سیاسی و اقتصادی با دولت جهان‌خوار آمریکا نخواهیم داشت.»

مهندس نبوی تأکید کرد که سرمایه‌داران آمریکایی به‌خاطر یک دلار حاضرند نه تنها پنجاه و دو نفر بلکه پنجاه و دو میلیون نفر را هم نابود کنند.

در ادامه تجاوز به خاک لبنان هواپیماهای اسرائیلی با دفاع قاطع مردم لبنان و فلسطینیها روبرو شدند

به گزارش خبرگزاری فلسطینی وفا، نیروهای رژیم صهیونیستی تل‌آویو و جداتی‌لبنان جنوب لبنان، باردیگر شهر نبطیه و مناطق اطراف آن را زیر آتش گرفتند. همچنین هواپیماهای اسرائیلی بر فراز شهرهای جنوب لبنان به پرواز درآمدند، اما بر اثر آتش دفاع ضد هوایی فلسطینی‌ها و نیروهای میهن‌دوست لبنانی، وادار به فرار شدند. مردم جنوب لبنان در کنار مبارزان فلسطینی، دلیرانه در مقابل تجاوزات مکرر امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم دست‌نشانده آن ایستادگی می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که اهداف شوم رژیم صهیونیستی اسرائیل در نابودی فلسطینی‌ها و اشغال سرزمینهای جدید تحقق یابد.

مانور نظامی آمریکا و رژیم کره جنوبی امپریالیسم آمریکا در کره هم چنگک و دندان نشان می‌دهد!

سفیر جمهوری دمکراتیک خلق کره در مسکو، گفت: «مانور مشترک نظامی آمریکا و نظامیان رژیم دست‌نشانده کره جنوبی اوضاع منطقه را وخیم‌تر می‌سازد.»

وی افزود: «این اقدام تحریک‌آمیز، تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه قرار است. این مانورها از اول فوریه آغاز شود. این اقدام تحریک‌آمیز علیه خلقهای منطقه، که از هم‌اکنون موجب ایجاد نگرانی جدی در میان محافل صلح‌دوست منطقه شده است، نیات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را بوضوح هرچه بیشتری نشان می‌دهد.»

پس از گذشت ۳۵ سال از جنگ جهانی: سیاست نظامی‌گرانه روزافزون امپریالیسم ژاپن در جزیره اوکیناوا دنبال می‌شود

دانشمندان و شخصیت‌های برجسته جزیره اوکیناوا، از گرایش‌های نظامی‌گرانه روزافزون هیئت حاکمه ژاپن شدیداً ابراز نگرانی می‌کنند. این دانشمندان در نامه سرکشاده‌ای به ژنرال سوزوکی، نخست‌وزیر ژاپن، تأکید کردند: «در حالی که ۳۵ سال از خاتمه جنگ می‌گذرد، اوکیناوا، هنوز در شرایط جنگی به‌سر می‌برد و حکومت نظامی در سراسر جزیره، برقرار است.»
در نامه همچنین تأکید شده: «با اینکه هزاران تن از مردم اوکیناوا در جریان جنگ، کشته شده‌اند، این جزیره همچنان مهمترین پایگاه آمریکا در منطقه است.»



بانتشار یک کتاب تاریخی از سوی دانشمندان کشورهای سوسیالیستی: سیاست بر تری طلبانه و ماجراجویانه رهبران پکن بیش از پیش افشا میشود

اخیراً کتابی با نام «تاریخ کوتاه جمهوری خلق چین»، توسط دانشمندان از کشورهای مجارستان، آلمان دمکراتیک، کوبا، مغولستان، لهستان، اتحاد شوروی و چکسلواکی ... منتشر شده است. در این کتاب از جمله آمده است: «چائشینان کنونی مانوخته‌دو، مانند گذشته، سیاست خارجی خود را بر نظریه اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ جهانی سوم و خرابکاری در روند تشنج‌زدائی و نیز پیگیری مسیر ضدسوسیالیستی استوار کرده‌اند.»

در کتاب تأکید شده است: «پکن نزدیکی با کشورهای امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی را سرعت می‌بخشد و با آنها علیه سوسیالیسم جهانی و جنبش کمونیستی و جنبشهای رهاثیختن ملی همکاری تنگاتنگ دارد. رهبران پکن تلاش دارند که آمریکا و ناتو را به جنگ «سرد» یا «داغ» با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بکشانند و یک نظام بین‌المللی معاهدات و موافقت‌نامه‌ها که علیه جامعه سوسیالیستی متوجه باشد، تحت شعار «جبهه متحدین بین‌المللی» تشکیل دهند. تجاوز چین علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام، مثال روشن این سیاست است.»

نویسندگان کتاب همچنین متذکر می‌شوند که: «سیاست رهبری مائوئیستی چین در مورد تباری همه‌جانبه با امپریالیسم و استوار کردن سیاست‌های خود بر پایه نزدیکی با امپریالیسم و سرمایه‌داری بین‌المللی، اجرای به اصطلاح «برنامه مدرنیسم» و نیز تبدیل چین به یک قدرت بزرگ نظامی، نمایانگر خط انحطاط روزافزون نظام اجتماعی چین و نادیده گرفتن کامل دستاوردهای سوسیالیستی خلق چین است.»

این دانشمندان همچنین، ضمن اشاره به اوضاع اجتماعی - اقتصادی در چین، تأکید می‌کنند که: «رژیم نظامی - بوروکراتیک در پکن از مشی تجاوزکارانه و عظمت‌طلبانه پیروی می‌کند و تولید اجتهائی را در خدمت مقاصد خود برای تبدیل چین به یک کشور نظامی درآورده است. بنابراین تضاد میان منافع حقایق زحمتکشان چین و رژیم نظامی ضدسوسیالیستی هرچه بیشتر وخیم می‌شود.»
نویسندگان این کتاب عقیده دارند که در چشم‌انداز تاریخی، این تضاد بنفع خلق چین و توسعه سوسیالیستی چین حل می‌شود.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 424
20 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۴ پستی تهران
۴۱/۳۵۵۱ منطقه